

آینده

نشریه نهضت آینده افغانستان
دلو ۱۳۸۳ - فروری ۲۰۰۵ - سال پنجم - شماره مسلسل ۲۳ و ۲۴
AYENDA No. 23 & 24 February 2005

کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»

برگزار گردید

فشرده سخنرانی عبدالله نایبی

در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»

رفقای عزیز ،

گردهمایی امروز به منظور تعالی کیفیت سازمانی نهضت ما دایر گردیده است. این تجمع ، افزون بر تصمیم تاریخی که اتخاذ خواهد کرد، خود یک حادثه بزرگ سیاسی-سازمانی در جنبش دموکراتیک افغانستان است. برای بار نخست در تاریخ چپ افغانی ، کسانی در یک سازمان با هم متشکل میشوند که از پی یک روند عمیق نوسازی اندیشه یی ، به یک جمعیت کلی فکری-تئوریک و یک توافق آگاهانه بر سر مواضع استراتژیک ، وسایل تاکتیکی و اصول ساختاری سازمان سیاسی ، دست یافته اند. نتیجه کار دوامدار دسته جمعی روشنفکران متعلق به جنبش چپ انقلابی افغانی در عرصه آرایه تحلیلهای علمی از اوضاع کشور ، با اسلوبی کاملاً رها شده از بند دگماتیسم و سوبژکتیویسم دیروزی ، این است که ما امروز بر اساس بینش واحد تئوریک-تحلیلی و آرمان واحد سیاسی-اجتماعی در یک سازمان واحد تاریخی و تاریخساز ، پیمان میندیم.

«نهضت آینده» از درون بازمانده های جنبش به طور قانونمند جوانه زد ، نمو کرد و اینک مرحله رشد شتابان خود را آغاز میکند. شهادت همزمانی که هنگام بیدار سلطه جهادی-طالبی ، درفش پیکار دادخواهانه را همراه با اندیشه های انقلابی متعلق به دنیای کار برافراشتند ، واقعاً بی نظیر و در خور ستایش است.

بزرگترین دستاورد ما

ما زمانی درفش پیکار دادخواهانه را برافراختیم که جامعه افغانی ، ظلمتسرای اسلامیزم بدوی بود و اکثر رهبران دیروزی حزب-دولت به این بهانه که گویا «دست زدن به اقدام سازمانی و سیاسی پیش از وقت است» ، از یک سو جبن سیاسی خود را پنهان میکردند و از سوی دیگر فرصت کمیایی میکردند تا به مطالبات برحق پیکارجویان صف در رابطه با براندازی حاکمیت ، پاسخ ندهند. آنان در حقیقت امر ، پنهانی در آرزوی تداوم الیگارشای طالبی بودند تا بازمانده های جنبش زمینه تصفیه حساب رو در رو را با آنان نیابند. ولی راه اندازی «نهضت آینده» ، نشر شماره نخست «آینده» همانند فریادی که از روانهای خسته مبارزان برخیزد ، در فضای بیخ بسته جنبش چپ افغانی طنین افکند. نخستین و شاید از مهمترین دستاوردهای ما متوقف ساختن سیر تئورایی جنبش و جلوگیری از تعمیق دلسردی ، بی باوری و روان افسرده گی در بین رفقای اصیل دیروزی ما بود. بدین گونه افتخار تاریخی از سرگیری پیکار انقلابی نصیب «نهضت آینده افغانستان» شد. ما به آن می بالیم!

* * *

در آن روزها ، رفقای ما اولتر از همه آماج «تکفیر» بازمانده های بیمار حزب-دولت دموکراتیک و شماری از رهبر واره گان منحرف و خاین آن قرار گرفتند. البته آن رهبر واره گان «هراس داشتند» که پاگیری و استحکام «نهضت آینده» خطر جدی را متوجه شان میسازد ، چون «نهضت آینده» به حیث یک «محک شفاف تاریخی» تریک اندیشی ها و مواضع ارتجاعی ، ریاکارانه و خاینانه آنان را آشکار کردنیست! «نهضت آینده» این وظیفه جنبی خود را نیز به درستی انجام داد. کارگزاران دست اول «نهضت میهنی» گفتند : «کمونیسم دیگر مرده است!» ؛ «مارکسیسم برای افغانستان نیست!» ؛ «ما استراتژی نداریم» (۱)!

اما وقتی ما طی تحلیلهای جدی تئوریک آشکار ساختیم که «سرمایه داری پایان تاریخ نیست» ، «تفکر نقاد انقلابی در وجود جهانی بینی علمی کاملاً زنده و پابرجاست» و «مرامنامه «حزب مردم افغانستان» را در مقام استراتژی جنبش چپ و مانیفست جهانی بینی این جنبش ارایه کردیم ، درواقع ، خصلت «ارتجاع نوین» را در وجود قشر بیروکرات حاکم دیروزی حزب-دولت هویدا ساختیم. به این میشود گفت : «سودمندیهای جانی»!

در جریان پنج سال گذشته ، ارایه مبانی تفکر نقاد مارکسیستی ، بررسی عوامل و زمینه های شکست سوسیالیسم دولتی و همراه با آن فروپاشی حزب-دولت دموکراتیک افغانستان ، پیش کشیدن طرحها و راه های جدید برای انکشاف جنبش و آینده کشور ، همه باعث همگرایی دیدگاههای رفقای آگاهی شدند که امروز ، از پی «تشکل اندیشه یی» در یک سازمان واحد گرد هم آمده اند.

ما امروز از یک هسته فشرده سازمانی و یک سکوی استوار اندیشه یی برخوردار هستیم که تکامل بعدی جنبش انقلابی را نوید مینهد.

رفقا ، میشود گفت که دشواریهای جدی ما در عقب قرار دارند ؛ آینده نزدیک را باید با خوشبینی انقلابی باز کرد.

وضعیت سیاسی و ضرورت «حزب مردم افغانستان»

«وضعیت سیاسی» تجمع ساختار یافته عملکرد نیروهای گوناگون سیاسی در یک مرحله کوتاه تاریخی جامعه است. ادامه در ص ۲

کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» به تاریخ ۲۶ جدی ۱۳۸۳ (۱۵ جنوری ۲۰۰۵) در آلمان دایر گردید. در کنفرانس نماینده گان فدراسیونهای نهضت در کشورهای هالند ، آلمان ، دنمارک ، فرانسه ، اطریش ، روسیه ، انگلستان و امریکا شرکت کرده بودند.

در آغاز به خاطر گرمیادداشت خاطره همزمان قهرمانی که جانهای شان را در راه تحقق آرمانهای والای جنبش انقلابی افغانستان قربان کرده اند ، شرکت کننده گان به پا خاستند و یک دقیقه سکوت کردند. پس از انتخاب هیئت رئیسه ، سکرتریت کنفرانس و کمیسیون انتخابات ، عبدالله نایبی ، منشی اول «نهضت آینده افغانستان» در باره مسایل اعتلای سازمانی نهضت و گذار قانونمند آن به «حزب مردم افغانستان» مفصلاً سخنرانی کرد. سپس داکتر سهارنگ ، محمد حسن باریق شفایی ، داود کاویان ، داکتر شایسته ، احمد ضیاء صدیقی ، زبیر غازی ذوی اسدالله همدود ، طارق پیکار ، اسماعیل پولاد و عزیز هدایت در رابطه با ضرورت ایجاد «حزب مردم افغانستان» و شیوه های اعتلای سطح سازمانی نهضت در فضای رفیقانه و با روحیه پرشور انقلابی صحبت کردند.

در پایان بخش اول کار کنفرانس برخی پیامهای پشتیبانی از برگزاری کنفرانس قرائت شدند.

* * *

بخش دوم کار کنفرانس به انتخاب شورای مرکزی «نهضت آینده افغانستان» وقف گردید. پس از مباحثه روی ترکیب پیشنهادی ، ۲۵ تن از رفقا به عضویت شورای مرکزی و عبدالله نایبی به حیث رئیس «نهضت آینده افغانستان» پیشنهاد شدند. تمام رفقا با رای گیری سوی به مقامهای پیشنهاد شده انتخاب شدند.

در فرجام طرح «پیام کنفرانس به مبارزان راه آرمانهای دیموکراتیک» مورد بحث قرار گرفت که بعد از تعدیلات به اتفاق آراء تصویب شد.

کار کنفرانس با ابراز امید به پیروزیهای درخشان جنبش انقلابی کشور در وجود «نهضت آینده افغانستان» و برگزاری موفقانه کنگره اساسگذار «حزب مردم افغانستان» در فضای پر شور رفیقانه ختم گردید.

نخستین پلنوم شورای مرکزی «نهضت آینده افغانستان»

دایر گردید

نخستین پلنوم وسیع شورای مرکزی «نهضت آینده افغانستان» پس از ختم کار کنفرانس سراسری در حضور اشتراک کننده گان کنفرانس دایر گردید. کار پلنوم را عبدالله نایبی ، رئیس «نهضت آینده افغانستان» رسماً آغاز کرده گفت :

رفقای عزیز ،

افتخار دارم که ریاست نخستین اجلاس شورای مرکزی «نهضت آینده» را به عهده دارم. از تمام رفقای که به بنده اعتماد کرده اند و ریاست «نهضت آینده» را به من سپرده اند ، صمیمانه اظهار سپاس نموده به شما وعده میدهم که با تمام توان از منافع نهضت دفاع نموده در امر ارتقای اعتبار تاریخی و کارایی سیاسی-اندیشه یی آن بیدوب تلاش می نمایم.

کنفرانس امروزی ما و اجلاس حاضر ، به حق در تاریخ مبارزات دادخواهانه افغانی ، به حیث یک اقدام بزرگ و ایجادگرانه ثبت خواهند شد. من یقین کامل دارم که شورای مرکزی ، با احساس مسؤلیت تاریخی در قبال سرنوشت جنبش و آینده خلق افغانستان ، با پرورش روحیه عالی وقت ، ایثار و هبسته گی رفیقانه ، به دور از امراض مدهشی که برگزشته ما لکه های تاریک به جا گذاشته اند ، خواهد توانست وظایف بزرگی را که به عهده دارد ، با موفقیت به پایان برساند. کار عظیم و پیچیده یی در پیش است ؛ از یک سو کشف راههای جدید ، پیشروی در عرصه های اندیشه یی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر مبارزه دامنه دار و آشتی ناپذیر با بقایای پوسیده ، منحرف و فاسد حاکمیت دیروزی که هنوز از رویای احیای قدرت زیانبار خود دست برنداشته اند.

باید با حوصله مندی و متانت لازم ، یکپارچه و دینامیک به سوی بزرگترین هدف ما در کوتاه مدت ، یعنی راه اندازی کارزار عظیم جلب و جذب از پاکیزه ترین و آگاه ترین همزمان دیروزی ما و جوانان نسل جدید به پیش رفت و کار تدارک کنگره را به موقع انجام داد.

رفقا ، با برگزاری اجلاس امروزی ما ، کار دارالانشای نهضت به پایان رسیده است. اجازه دهید از اعضای دارالانشای نهضت که با حوصله فراخ ، در شرایط بسیار دشوار مبارزه ، وظایف پیچیده نوسازی جنبش چپ انقلابی را پیروزمندانده سر رسانند ، اظهار سپاس نمایم. نام هرکدام آنها در تاریخ جنبش دموکراتیک افغانی جاودانه ثبت خواهد ماند».

* * *

پلنوم روی میکانیزمهای عملی کار و فعالیت سازمان مفصلاً بحث کرده ، ایجاد پنج کمیسیون را در جنب شورای مرکزی نهضت به شرح زیر فیصله کرد :

- ۱- کمیسیون تشکیلات با ۱۱ عضو، تحت مسؤلیت عبدالله نایبی،
- ۲- کمیسیون نشرات و امور ترویجی با ۸ عضو، تحت مسؤلیت داکتر سالم سهارنگ،
- ۳- کمیسیون روابط سیاسی با ۷ عضو، تحت مسؤلیت داود کاویان،
- ۴- کمیسیون مطالعات اجتماعی-اقتصادی با ۴ عضو، تحت مسؤلیت احمد ضیاء صدیقی،
- ۵- کمیسیون امور مالی و اسناد با ۴ عضو ، تحت مسؤلیت نعیم عسکریار.

افتادن در دام نیرنگ «ارتجاع نوین» برخاسته از بقایای د.خ.ا. برحزب داریم. باید به رفقای دورمانده از «نهضت آینده» توضیح داد که پراگماتیسم و «اعتدال بازی» «نهضت میهنی» و دیگر سازمانهای همعاش آن، چیزی جز یک نیرنگ تازه برای راه یافتن به قدمتی که مهر مزدوری امپریالیسم را بر جبین دارد، نیست!

وضع در جناح خلقهای دیروز چندان بهتر از وضع جناح پرچی های دیروز نیست. شماری از رفقای دیروز خلقی از «نهضت آینده» با گرمی استقبال کردند و به آن پیوستند. برخی دیگر علی الرغم حمایت همه جانبه و شجاعانه از حرکت نوسازانه ما، از تعلق سازمانی با ما کناره میگیرند. ما باید با صراحت معیارهای جدید انقلابی بودن را به تمام بازمانده های جنبش دموکراتیک و چه دیروزی پیشکش کنیم؛ به این مفهوم که بینش نقاد مارکسیستی را به حیث جهانیستی چه بنیادی، والاترین مرجع تفکیک بسازیم. اساساً باید به هرگونه فرهنگ، مراجعه به تعلقات جناحی دیروز مهر پایانی زد!

برخی سازمانهای کوچک متعلق به «دموکراسی نوین» دیروز و تروتسکیزم (در چوکات شاخه ایرانی، انترناسیونال چهارم) در داخل و خارج کشور فعال اند. ما روابط دور افتاده یی با آنها داریم. آنها عمدتاً مبارزه با مذهب و تریالیسم را در مرکز فعالیتهای خود قرار داده اند. با آنکه ما این نوع برخورد های ایدئولوژیک ضد مذهبی را در دایره پراتیک مبارزه اندیشه یی و سیاسی خود قرار نمیدهیم، ولی هرگاه شرایط همکاری با چنین سازمانهایی فراهم گردد، مسؤولانه و بدون تعصب و پیشداوری، بسته به اوضاع، موضوعگیری سازنده خواهیم داشت.

هویت سازمان ما

از همان بدو پیدایی «نهضت آینده» در مورد هویت تاریخی و سرشت سیاسی-اندیشه یی ما از چهار سوی پرسشهایی مطرح گردیدند. گاه ما را «نیوکمونیستهای افغانی» وابسته به کمونیسم اروپایی» خواندند، زمانی «شاگردان مارکس» گفتند و گاهی هم ما را به آرمانگرایی و اتوییزم متهم ساختند. در کنار این برچسب زدن ها، برخی از هواداران ما که با دسته بندیهای ایدئولوژیک کهن خو گرفته بودند، نیز از ما تقاضای «شناسنامه رسمی» کردند. با آنکه دارالانشای نهضت و نشریه «آینده» پیوسته در این راستا روشنی انداخته اند و طرحهای مراننامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» بیانگر روشن هویت سیاسی-اندیشه یی ما، در اینجا لازم پنداشته میشود تا یک بار دیگر درباره این نوع برچسپها مکث کنیم. این که ما چرا «نهضت آینده» و «حزب مردم افغانستان» را «حزب کمونیست افغانستان» نمی نامیم، تنها یک موضوع ساده زبانی نیست. نخست اینکه در بینش مارکسیستی مفاهیم «کمونیسم» و «کمونیست» از انتشار «مانیفست حزب کمونیست» تا امروز تغییرات جدی سیستماتیک (معنایی) و تیوریک یافته اند. کافیتست به سیر تحولات این مفاهیم از حزب بلشویک گرفته تا احزاب کمونیست ایتالیا و هسپانیه در غرب و حزب کمونیست چین و کوریای شمالی در شرق نظر افکنند: از این دیدگاه ما کدام

نوع کمونیست خواهیم بود؟

از سوی دیگر ایدئولوژی بورژوازی و دشمنان کمونیسم از «کمونیست» سیمایی تراشیده اند که پدیده هایی چون الحاد، دگماتیسم، دیکتاتوری، فرهنگ ستیزی، اخلاق ستیزی، فقرگرایی و توتالیتریزم را در ذهن افراد ساده تداعی میکنند. بدتر اینکه برخی از کسانی که خود را کمونیست میخواندند، به نام کمونیسم و انقلاب، مرتکب چنان جنایاتی شدند که زمانی طولانی لازم است تا بتوان مفهوم «کمونیست» را از این همه لطمه ها پاکیزه ساخت.

مهمتر از این همه، جهانیستی ما با «ایدئولوژی رسمی احزاب کمونیست دیروز» تفاوت دارد. ما «مارکسیسم نقاد» را به حیث رهنمای تیوریک خود برگزیده ایم. «نقاد» به این مفهوم که این جهانیستی، افزون بر نقد ایدئولوژیهای ارتجاعی و افشا کردن سرشت و میکانیزم استثمار جوامع طبقاتی، خود را نیز پیوسته مورد نقد و بررسی قرار میدهد و در یک حرکت مستمر تعالی یاب، به دستاوردهای جدید تیوریک میرسد. «مارکسیسم نقاد» به این مفهوم که این بینش در مورد خود هاوکس و خود مارکسیسم برخورد مارکسیستی میکند و اسلوب نقاد نویسنده «سرمایه» را نخست از همه در مورد تفکر خودش به کار میگیرد. رفقا، چنین هویتی که در جنبش چپ افغانی کاملاً نو است، در کدام مفهوم سیاسی-اندیشه یی میگذرد؟ مگر بهتر نیست که ما اندیشه ها و اسلوب تحلیل خود را هرچه گسترده تر و عمیق تر به مبارزان چپ معرفی بداریم تا این که یک «قالب دیروزی» را که به مشکل میتواند حرکت نوسازانه «نهضت آینده» و «حزب مردم افغانستان» را تبارز دهد، به کار بریم؟ ما نمی تنها از نگاه تفکر با چپ دیروزی تفاوت داریم، بل در عرصه رفتار اجتماعی نیز با هومانیزم عملی پیوند داریم و در پراتیک سیاسی و فعالیت فردی خود، بر اساس موازین اخلاق انقلابی به گونه کاملاً آگاهانه عمل میکنیم. چنین است شمه یی از هویت سازمان ما!

مبارزه اندیشه یی - تیوریک

پنج سال انتشار «آینده» مبانی تفکر چپ نوین را در کلیت آن انعکاس داد. این فعالیت اندیشه یی، با تمام اهمیتش در چنا ساختن راه ما از راه دیروز، تازه آغاز کار است. بیان گسترده جهانیستی که راهنمای ما در پراتیک انقلابیست، یک نیازمندی بنیادی نوسازی جنبش است. رسوب ایدئولوژی شوروی در ذهن رفقای دیروز ما چنان ضخیم است که به مشکل میتوان آن را بدون توضیحات وسیع تیوریک، از مواضع دیروزی برون کشید. حجم کنونی نشریه «آینده» به تنهایی پاسخگوی این نیاز نخواهد بود. باید راهها و وسایلی را جستجو کرد که بتوان از طریق آنها دستاوردهای تیوریک، فلسفی و جامعه شناختی امروز را در اختیار رفقا و هواخواهان نهضت قرار داد. تجربه نشان داده است که ترجمه آثار ارزشمند از وسایل مؤثر ترویج اندیشه است. آیا نمیتوانیم طرخی را که چندی پیش برای بنگاه نشراتی داشتیم، در عمل پیاده کنیم و به چاپ کتابها و رساله ها بپردازیم؟

وظایف عملی ما

رفقا، از تحلیل وضعیت سیاسی دریانتم که رشد و انکشاف سازمان ما در صدر وظایف قرار دارد، چون بدون نیرومندی آن به هیچکدام از اهداف سیاسی خود نخواهیم رسید. دو کار جدی عملی در برابر ما قرار دارد: یک، قانع ساختن رفقای پاکیزه به حقایق بار برگزیده و دو انشا و تجرید رهبران منصرف دیروزی که در تلاش به بیراهه کشاندن نیروی بازمانده از جنبش دموکراتیک اند. دیگر ممکن نیست در برابر تلاشهای انحرافی و اعمال خاینانه یی که به نام جنبش دموکراتیک افغانی صورت میگیرند، سکوت کرد. در مورد آنان دیگر نمی شود صفت شایسته «رفیق دیروزی» را به کار برد. فعالیت و موضوعگیری امروزی آنان در حقیقت از سرشت دیروزی شان پرده برمیدارد. تلاشهای ویرانگرانه امروزی شان گواهی میدهند که دیروز هم چندان به جنبش معتقد نبودند و از اعتماد ده ها هزار مبارز سوء استفاده کرده اند. آنان منصرف دیروزی جنبش و مخالفان و دشمنان امروزی جنبش چپ اند. کنار زدن آنها از عرصه جنبش چپ و دادخواهانه افغانی، اهمیت جدی کسب کرده است.

همزمان باید با آن عده از رفقای که در بند پیوندهای به اصطلاح «افغانی» با آنان گیر مانده اند، صریحاً مسایل را مطرح کرد: آیا با جنبش چپ انقلابی میروند، یا با بیعاریان رهبرنمای دیروزی!!

ما با صراحت اعلام میداریم که آن عده از افراد و سازمانک هایی که با «نهضت آینده» و طرحهای مراننامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» دشمنی میورزند، دیگر به جنبش مترقی افغانستان تعلق ندارند! شورای مرکزی که در این کنفرانس انتخاب خواهد شد، وظیفه خواهد داشت تا کارزار سریع جلب و جذب را سازمان دهد.

رفقا، دارالانشای نهضت در آخرین اجلاس خود، با خوشبینی به جا به دعوت کنفرانس امروز پرداخت. رفقای دارالانشا به اتفاق آراء موضوع ایجاد شورای مرکزی نهضت را تصویب کردند که ترکیب آن امروز به شما جهت تصویب با رای گیری سری پیشنهاد میشود. باید خاطر نشان ساخت که اعضای دارالانشا در جریان پنج سالی که از اساسگذاری سازمان ما میگذرد، با شجاعت انقلابی، با شکیبایی و تدبیر سیاسی، هسته اساسی جنبش چپ نوین افغانی را به وجود آوردند، و بینش تیوریک آن را در کلیت ارایه کردند و طرحهای سازنده یی را برای تکامل بعدی آن در وجود «حزب مردم افغانستان» پیش کشیدند. اینک ما در آستانه یک گذار تاریخی قرار داریم. شورای مرکزی به یقین کار دارالانشا را که امروز ختم می یابد، با ابعاد تازه تر و گسترده تر دنبال خواهد کرد.

- پیروز باد «نهضت آینده افغانستان»!
- به پیش در راه ایجاد «حزب مردم افغانستان»!

را اندازی یک کارزار عظیم اشاعه اندیشه های چپ بنیادی زمینه اساسی جلب و جذب سازمانی مبارزان است. استحکام سازمان ما با این کارزار پیوند مرشقی دارد. من نمونه بی از ضرورت کار اندیشه بی-تیوریک را به رفقا ارایه میکنم: **موضوعگیری در قبال مسأله مذهب** برخی از گروههای چپ، مبارزه با مذهب را در صدر وظایف شان قرار داده اند. آنها مارکسیزم را یک «آئیژم پیکارجوی» تلقی میکنند و مبارزه با مذهب را به حیث مبارزه با «ایدیالوژی ارتجاع حاکم» در محراق فعالیت خود قرار میدهند. از دیدگاه آنها رهایی زحمتکشان از یوغ استثمار بدون رهایی از جنبه مذهب ناممکن است. این گونه استدلالهای به ظاهر ماتریالیستی، افزون بر خطرات جدی عملی و سیاسی، از نگاه تیوریک نیز قابل بحث اند. وقتی یک تیوری علمی در رابطه با پیدایی، رشد و وظیفه ایدیالوژیها ارایه میشود، یک عمل علمی صورت میگیرد، نی یک حادثه ایدیالوژیک. یعنی تیوری علمی از ایدیالوژی، خارج از ایدیالوژی قرار دارد. توضیح ایدیالوژیها، یک توضیح علمیتست، نی یک توضیح ایدیالوژیک. توضیح علمی ایدیالوژی این است که ایدیالوژی بسته به شرایط عینی و مادی زنده گی یک قشر یا یک طبقه اجتماعی، در اوضاع مشخص روند تولید، در درون یک شیوه معین تولیدی، تفسیری از جهان ارایه میکند که دریافت و شعور همین قشر یا همین طبقه اجتماعی است. این دریافت در جریان پراتیک تولید نمیتواند علمی باشد، چون وسایل علمی شناخت را به کار نمی گیرد. بورژوازی چنان تفسیری از جهان ارایه میدارد که با منافع و تداوم سرمایه سازگار باشد. قبیله سالاران چنان تعبیری از جهان ارایه میدارند که پیوندهای قبیله بی را به حیث پیوندهای جاودان و مقدس تداوم بخشد. ایدیالوژی قبیله بی تفسیر مناسبات اقتصادی-اجتماعی حاکم در درون قبیله است. پس برای برون شدن از چنین دریافت و شعور ایدیالوژیک دو شرط لازم است: **یکی** دگرگون ساختن مناسبات تولیدی که پایه و خاستگاه ایدیالوژیهاست؛ **دو دیگر** توضیح علمی از رابطه انسان با مناسبات تولیدی و با ایدیالوژی! تیوری مارکسیستی در رابطه با ایدیالوژیها، دو وظیفه را در برابر احزاب انقلابی قرار میدهد: **یک** به سر رساندن تغییرات بنیادی اقتصادی-اجتماعی (یعنی پراتیک سیاسی دگرگون ساز)؛ **دو** توضیح علمی مناسبات اجتماعی (ماتریالیزم تاریخی). بدین گونه پیش کشیدن شعار «مبارزه با مذهب به حیث ایدیالوژی حاکم ارتجاع» با هیچکدام از وظایف اساسی سازمان انقلابی نمی خواند. چنین شعارهایی هم از نگاه تیوریک و هم از نگاه سیاسی بی فایده اند. البته این تحلیل از «آئیژم پیکار جوی» به معنای آن نیست که باید مذهب را به حیث معنویت مسلط جامعه، داخل عرصه پراتیک سیاسی و اندیشه بی سازمان انقلابی ساخت و از آن استفاده ایدیالوژیک کرد! روشن است که باید این مسایل را ده بار و بار و بار برداختهای گوناگون، به سطوح مختلف به هواداران جنبش دموکراتیک و غیر مذهبی توضیح داد. یون «ماتریالیزم پیگیر» و «آئیژم پیکار جوی» تفاوتهای ماهوی وجود دارد. با درس گیری از تجارب نیم قرنه جنبش مترقی افغانی باید روی این اصل تکیه کرد که تمام شعارهای اساسی را پیوسته باید مورد بررسی نقادانه قرار داد.

وظایف عملی ما

رفقا، از تحلیل وضعیت سیاسی دریافتیم که رشد و انکشاف سازمان ما در صدر وظایف قرار دارد، چون بدون نیرومندی آن به هیچکدام از اهداف سیاسی خود نخواهیم رسید. دو کار جدی عملی در برابر ما قرار دارد: **یک**، قانع ساختن رفقای پاکیزه به حقانیت راه برگزیده و **دو** انشا و تجرید رهبران منحرف دیروزی که در تلاش به بیراهه کشاندن نیروی بازمانده از جنبش دموکراتیک اند. دیگر ممکن نیست در برابر تلاشهای انحرافی و اعمال خاینانه بی که به نام جنبش دموکراتیک افغانی صورت میگیرند، سکوت کرد. **دو مورد آنان دیگر** **نمیفروش صفت شایسته «رفیق دیروزی» را به کار برد. فعالیت و موضوعگیری امروزی آنان در حقیقت از سرشت دیروزی شان پرده بر میدارد. تلاشهای ویرانگرانه امروز شان گواهی میدهند که دیروز هم چندان به جنبش معتقد نبودند و از اعتماد ده ها هزار مبارز سوء استفاده کرده اند. آنان منحرفین دیروزی جنبش و مخالفان و دشمنان امروزی جنبش چپ اند. کنار زدن آنها از عرصه جنبش چپ و دادخواهانه افغانی، اهمیت جدی کسب کرده است.**

همزمان باید با آن عده از رفقای که در بند پیوندهای به اصطلاح «افغانی» با آنان گیر مانده اند، صریحاً مسایل را مطرح کرد: **آیا با جنبش چپ انقلابی میروند، یا با بیماران رهبرنامی دیروزی!!**

ما با صراحت اعلام میداریم که آن عده از افراد و سازمانک هایی که با «نهضت آینده» و طرحهای مراسمنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» دشمنی میورزند، دیگر به جنبش مترقی افغانستان تعلق ندارند! شورای مرکزی که در این کنفرانس انتخاب خواهد شد، وظیفه خواهد داشت تا کارزار سریع جلب و جذب را سازمان دهد.

رفقا،

دارالانشای نهضت در آخرین اجلاس خود، با خوشبینی به جا به دعوت کنفرانس امروز پرداخت. رفقای دارالانشا به اتفاق آراء موضوع ایجاد شورای مرکزی نهضت را تصویب کردند که ترکیب آن امروز به شما جهت تصویب با رای گیری سری پیشنهاد میشود. باید خاطر نشان ساخت که اعضای دارالانشا در جریان پنج سالی که از اساسگذاری سازمان ما میگذرد، با شجاعت انقلابی، با شکیبایی و تدبیر سیاسی، هسته اساسی جنبش چپ نوین افغانی را به وجود آوردند، و بیش تیوریک آن را در کلیت ارایه کردند و طرحهای سازنده بی را برای تکامل بعدی آن در وجود «حزب مردم افغانستان» پیش کشیدند. اینک ما در آستانه یک گذار تاریخی قرار داریم. شورای مرکزی به یقین کار دارالانشا را که امروز ختم می یابد، با ابعاد تازه تر و گسترده تر دنبال خواهد کرد.

- پیروز باد «نهضت آینده افغانستان»!

- به پیش در راه ایجاد «حزب مردم افغانستان»!

افتادن در دام نیرنگ «ارتجاع نوین» برخاسته از بقایای ح.د.خ.ا. برحذر داریم. باید به رفقای دورمانده از «نهضت آینده» توضیح داد که پراگماتیسم و «اعتدال بازی» «نهضت میهنی» و دیگر سازمانهای همقماش آن، چیزی جز یک نیرنگ تازه برای راه یافتن به قدرتی که مهر مزدوری امپریالیزم را بر جبین دارد، نیست!

وضع در جناح خلیفهای دیروز چندان بهتر از وضع جناح پرچی های دیروز نیست. شماری از رفقای دیروز خلقی از «نهضت آینده» با گرمی استقبال کردند و به آن پیوستند. برخی دیگر علی الرغم حمایت همه جانبه و تمجید از حرکت نوسازانه ما، از تعلق سازمانی ما به کناره میگیرند. ما باید با صراحت معیارهای جدید انقلابی بودن را به تمام بازمانده های جنبش دموکراتیک و چپ دیروزی پیشکش کنیم؛ به این مفهوم که بینش نقاد مارکسیستی را به حیث جهانی بی چپ بنیادی، والاترین مرجع تفکیک بسازیم. اساساً باید به هرگونه فرهنگ، مراجعه به تعلقات جناحی دیروز مهر پایانی زد!

برخی سازمانهای کوچک متعلق به «دموکراسی نوین» دیروز و تروتسکیزم (در چوکات شاخه ایرانی انترناسیونال چهارم) در داخل و خارج کشور فعال اند. ما روابط دور افتاده خود با آنها داریم. آنها عمدتاً مبارزه با مذهب و تریالیزم را در مرکز فعالیت های بی قرار داده اند. با آنکه ما این نوع برخوردهای ایدیالوژیک ضد مذهبی را در دایره پراتیک مبارزه اندیشه بی و سیاسی خود قرار نمیدهیم، ولی هرگاه شرایط همکاری با چنین سازمانهایی فراهم گردد، مسؤولانه و بدون تعصب و پیشداوری، بسته به اوضاع، موضوعگیری سازنده خواهیم داشت.

هویت سازمان ما

از همان بدو پیدایی «نهضت آینده» در مورد هویت تاریخی و سرشت سیاسی-اندیشه بی ما از چهار سوی پرسشهایی مطرح گردیدند. گاه ما را «تیوکونیستهای افغانی» وابسته به کمونیزم اروپایی» خوانند، زمانی «شاگردان مارکس»، گفتند و گاهی هم ما را به آرمانگرایی و اتوییزم متهم ساختند. در کنار این برچسب زدن ها، برخی از هواداران ما که با دسته بندیهای ایدیالوژیک کهن خو گرفته بودند، نیز از ما تقاضای «شناسنامه رسمی» کردند. با آنکه دارالانشای نهضت و نشریه «آینده» پیوسته در این راستا روشنی انداخته اند و طرحهای مراسمنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» بیاتر روشن هویت سیاسی-اندیشه بی ما، در اینجا لازم پنداشته میشود تا یک بار دیگر درباره این نوع برچسبها مکت کنیم. این که ما چرا «نهضت آینده» و «حزب مردم افغانستان» را «حزب کمونیست افغانستان» نمی نامیم، تنها یک موضوع ساده زبانی نیست. نخست اینکه در بیش مارکسیستی مفاهیم «کمونیزم» و «کمونیست» از انتشار «مانیفست حزب کمونیست» تا امروز تغییرات جدی سیمانتیک (معنایی) و تیوریک یافته اند. کافیست به سیر تحولات این مفاهیم از حزب بلشویک گرفته تا احزاب کمونیست ایتالیا و اسپانیه در غرب و حزب کمونیست چین و کوریای شمالی در شرق نظر افگند: از این دیدگاه ما کدام

نوع کمونیست خواهیم بود؟

از سوی دیگر ایدیالوژی بورژوازی و دشمنان کمونیزم از «کمونیست» سیمایی تراشیده اند که پدیده هایی چون الحاد، دگماتیسم، دیکتاتوری، فرهنگ ستیزی، اخلاق ستیزی، فقرگرایی و توتالیتریزم را در ذهن افراد ساده تداعی میکنند. بدتر اینکه برخی از کسانی که خود را کمونیست میخواندند، به نام کمونیزم و انقلاب، مرتکب چنان جنایاتی شدند که زمانی طولانی لازم است تا بتوان مفهوم «کمونیست» را از این همه لطمه ها پاکیزه ساخت.

مهمتر از این همه، جهانی بی ما با «ایدیالوژی رسمی احزاب کمونیست دیروز» تفاوت دارد. ما «مارکسیزم نقاد» را به حیث رهنمای تیوریک خود برگزیده ایم. «نقاد» به این مفهوم که این جهانی بی، افزون بر نقد ایدیالوژیهای ارتجاعی و انشا کردن سرشت و میکانیزم استثمار، جوامع طبقاتی، خود را نیز پیوسته مورد نقد و بررسی قرار میدهد و در یک حرکت مستمر تعالی یاب، به دستاوردهای جدید تیوریک میرسد. «مارکسیزم نقاد» به این مفهوم که این بیش در مورد خود ماوکس و خود مارکسیزم برخورد مارکسیستی میکند و اسلوب نقاد نویسنده «سرمایه» را نخست از همه در مورد تفکر خودش به کار میگیرد. رفقا، چنین هویتی که در جنبش چپ افغانی کاملاً نو است، در کدام مفهوم سیاسی-اندیشه بی میگنجد؟ مگر بهتر نیست که ما اندیشه ها و اسلوب تحلیل خود را هرچه گسترده تر و عمیق تر به مبارزان چپ معرفی بداریم تا این که یک «قالب دیروزی» را که به مشکل میتواند حرکت نوسازانه «نهضت آینده» و «حزب مردم افغانستان» را تبارز دهد، به کار بریم؟ ما نی تنها از نگاه تفکر با چپ دیروزی تفاوت داریم، بل در عرصه رفتار اجتماعی نیز با هومانیزم علمی پیوند داریم و در پراتیک سیاسی و فعالیت فردی خود، بر اساس موازین اخلاق انقلابی به گونه کاملاً آگاهانه عمل میکنیم. چنین است شمه بی از هویت سازمان ما!

مبارزه اندیشه بی - تیوریک

پنج سال انتشار «آینده» مبانی تفکر چپ نوین را در کلیت آن انعکاس داد. این فعالیت اندیشه بی، با تمام اهمیتش در جفا ساختن راه ما از راه دیروز، تازه آغاز کار است. بیان گسترده جهانی بی که راهنمای ما در پراتیک انقلابیست، یک نیازمندی بنیادی نوسازی جنبش است. رسوب ایدیالوژی شوروی در ذهن رفقای دیروز ما چنان ضخیم است که به مشکل میتوان آنان را بدون توضیحات وسیع تیوریک، از مواضع دیروزی برون کشید. حجم کنونی نشریه «آینده» به تنهایی پاسخگوی این نیاز نخواهد بود. باید راهها و وسایلی را جستجو کرد که بتوان از طریق آنها دستاوردهای تیوریک، فلسفی و جامعه شناسی را در اختیار رفقا و هواداران نهضت قرار داد. تجربه نشان داده است که ترجمه آثار ارزشمند از وسایل مؤثر ترویج اندیشه است. آیا نمیتوانیم طرخی را که چندی پیش برای بنگاه نشراتی داشتیم، در عمل پیاده کنیم و به چاپ کتابها و رساله ها بپردازیم؟

فشرده سخنرانی داود کاویان در کنفرانس سراسری

رفقای عزیز ،
به نوبه خود همه شما ، به خصوص یاران عزیز را که تازه به «نهضت آینده» پیوسته و با حضور خویش در کنفرانس حاضر به نهضت نویی ما اعتبار بیشتر بخشیده اند ، شادباش میگویم.

رفقا ،
کنفرانس حاضر که گام بلندی به سوی تشکیل یک حزب چپ فکاه با ماهیت کاملاً نوین به شمار می رود ، بدون شک از اهمیت بزرگ تاریخی برخوردار است. اهمیت آن از جمله در آن است که شماری از شخصیت های بالغ سیاسی که بار تجارب بیش از چهار دهه مبارزه سیاسی را با خود دارند و کوره راه های پر خم و پیچ تاریخ چهار دهه تاریخ کشور را آگاهانه طی کرده و از پیروزی ها غره و از شکست ها سرخورده نشده اند ، بار دیگر جمع آمده اند تا پرچم پرافتخار مبارزه به خاطر انسان زحمتکش را بدون آلودگی در هیچ یک از معاملات و معادلات مرسوم معرکه حاضر سیاسی کشور بار دیگر برافرازند.

۲ - در عرصه منطقه یی
جنبش چپ در منطقه جغرافیایی که کشور ما در آن قرار دارد ، بنابر عوامل کاملاً معلوم دچار فترت و ضعف شدید است. احزاب کلاسیک چپ از وضعیت سیاسی کنار رفته اند. در بسیاری موارد بعضی از این احزاب هنوز در قالب های دکماتیک دیروز محصور اند و یا در اتخاذ مواضع جدید دچار ابهام و نوسان اند. این امر انشعابات متعددی را بر این احزاب تحمیل کرده است.

رفقا ، تأمین ارتباط با جنبش چپ و احزاب مترقی منطقه برای ما دارای اهمیت عظیم است ، زیرا چالش ها و واقعیتهای موجود در منطقه ما سرنوشت ما را بیش از پیش با هم گره زده است. «نهضت آینده» به مشابهی یکی از آگاه ترین سازمان چپ منطقه ، وظیفه دارد با تأمین تماسهای دایمی و در صورت امکان ایجاد نوعی چتر سازمانی منطقه یی با این رفقا به امر اعتدالی جنبش چپ در منطقه کمک کند. ما می توانیم گردهمایی های احزاب ، سازمانها ، محافل و شخصیت های ترقیخواه و چپ منطقه را سازمان دهیم و زمینه های بحث و تبادل نظر را با این رفقا فراهم آوریم.

۳ - در عرصه داخلی

رفقا ، ما در این عرصه عمدتاً با دو طیف از نیروهای بالقوه و بالفعل چپ رو به رو هستیم :
- بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) ،
- سایر سازمانها ، نیروها ، محافل و افراد و شخصیت های مستقل چپ.

الف - بازمانده گان ج. د. خ. ا. (حزب وطن)

در این طیف دو نیروی عمده قرار دارند : حلقه های به اصطلاح متشکل و گروه انبوهی از رفقای غیر متشکل. بخش سازمان یافته و به اصطلاح متشکل این بازمانده ها عمدتاً از آرمانهای آغازین ج. د. خ. ا. فاصله گرفته و با بهانه هایی از قبیل : «پراگماتیسم ، «درک واقعیت های موجود» ، «طلان کارایی چپ در جهان تغییر یافته» ، «منافع ملی» ، رجوع به ناسیونالیسم افغانی ، و ده ها توجیه دیگر عملاً از صفوف جنبش چپ کنار می روند. لیبرال و مفزهای متفکر این طیف عملاً به مبتلان نظام سرمایه و مشوقین پذیرش و انطباق با وضع موجود مبدل شده اند. این یاران قدیم با پشت پا زدن به همه اعتقادات دیروز منتظر سلاهی شرکت در حاکمیت موجود اند و ناشیانه گمان می کنند با اتخاذ این مواضع خود را به اصطلاح وطنی ما «خوش خور» ساخته و مورد پذیرش حاکمان کابل و یا حاکمان حاکمان کابل قرار خواهند گرفت. آنها از پاسخ دادن به این سوال عاجز اند که حتی در حدود برنامه های پراگماتیک خود شان و شرکت در حاکمیت ، چی کاری را می توانند به نفع زحمتکشان انجام دهند.

در این طیف همچنان صدها رفیق همزمرز دیروز ما قرار دارند که به دلایل متعدد و ناموجه شخصی ،

سرنوشتی دارد. اگر چنین میبود ، به گفته حافظ کار جهان بر منهنج عدل نمی بود.

رفقا ،
تاریخ وظایف سترگ و سنگینی را در راستای سمت دهی مبارزه زحمتکشان و آماده گی برای رویارویی با چالش های کاملاً جدیدی که با موانع کلاسیک فرق سرنوشتی دارند ، در عرصه ملی و بین المللی به دوش ما ، و آثانی که در سر تا سر جهان چون ما می اندیشند ، قرار داده است. برای غلبه بر این چالش ها نمی توان ۱- بدون ایجاد چتر اندیشه یی ، ۲- بدون ایجاد سنگر سازمانی و ۳- بدون گردآوری نیروهای متحد ، گام برداشت.

من میخوام در اینجا در مورد سومی یعنی ارزیابی کلی وضع طیف چپ در عرصه بین المللی ، منطقه یی و ملی و روابط جنبش آینده با آنها اجمالاً صحبت کرده و توجه رفقا را به بعضی مسایل اساسی و کلیدی ، به مثابه وظایف حتمی و حیاتی جنبش آینده و حزب چپ نقاد فردا در این راستا جلب نمایم.

۱ - در عرصه جهانی

ما شاهد از سوگیری ، بازنگری نقادانه ، سازمان یابی و گسترش بی سابقه جنبش چپ هستیم. احزاب مترقی مجهز با جهانی بینی علمی به خصوص در اروپا دارند با بازنگری تجارب دیروز ، پیله های اندیشه یی دکماتیک را از هم می درند و با فشرده ساختن صفوف خویش برای رویارویی با چالش های موجود آماده میشوند. این احزاب با وجود موانع فراوان از جمله موجودیت رسوبات اندیشه یی و سلیقه یی دیروز در صفوف شان ، با وجود ابهامات متعدد درباره نحوه برخورد با مسایل جهانی شدن ، مبارزه طبقاتی ، انقلاب و غیره ، دارند در زیر چتر اندیشه یی چپ نقاد متشکل

میشوند. بحث های جالب ، مفید و دامنه داری در همایش های منظم این احزاب مطرح میشوند و در ده ها نشریه مترقی انعکاس می یابند. رفقا ، بر ماست که بر تنبلی ذهنی غلبه کنیم و هرچی بیشتر این نشرات را بخوانیم و از این تجارب استفاده کنیم. نهضت ما باید هرچه گسترده تر با این احزاب تماس حاصل کند ، به حیث عضوی از این خانواده در همایش های شان شرکت نماید ، نشرات و تحلیل های تیوریک آنان را در اختیار اعضای نهضت قرار داده و در نشریه «آینده» انعکاس دهد.

رفقا ، تأکید من بر این است که در جریان ده سال اخیر ، بعد از شکست ، طرح ها ، تحلیل ها و بازنگری های کاملاً جدیدی از گذشته مطرح گردیده که متأسفانه خانواده چپ ما و حتی تعداد زیادی از رفقای «نهضت آینده» از آن ها تصور دقیق و درستی نداریم. باید بر این کاستی غلبه کرد.

رفقا ،
جنبش چپ در گستره وسیع تر آن ، طیف های بیشتر و بیشتری از مبارزان صلح ، دموکراسی و عدالت اجتماعی را به دور خود متشکل می سازد. در صدها اکسیون اعتراضی سالهای اخیر میلیون ها تن از فعالان جنبش صلح ، جنبش مبارزان ضد سرمایه داری نیولیبرالی ، مبارزان ضد جهانی شدن ، مبارزان حقوق بشر ، جنبش های زنان ، جنبش های حفظ محیط زیست و فعالان ضد جنگ و ضد خشونت اشتراک کرده اند. این جنبش های نیرومند دارند از مواضع صرفاً اعتراضی و پرخاشگروانه فرا تر می روند و در تشکلهای جهانشمول متشکل میشوند. نکته بسیار امیدوار کننده در این تغییر مواضع در آنست که آنها دیگر آرمانهای شان را صرفاً در مرزهای تنگ ایده آل های ویژه خود محدود نمی سازند ، بلکه رسیدن به این ایده آل ها را با تأمین صلح ، دموکراسی و عدالت اجتماعی پیوند می دهند و از این رو مبارزه با امپراتوری سرمایه ، نیولیبرالیسم ، جهانی شدن ، سازمانهای بزرگ جهانی

رفقای عزیز ،
به نوبه خود همه شما ، به خصوص یاران عزیز را که تازه به «نهضت آینده» پیوسته و با حضور خویش در کنفرانس حاضر به نهضت نویی ما اعتبار بیشتر بخشیده اند ، شادباش میگویم.

رفقا ،
کنفرانس حاضر که گام بلندی به سوی تشکیل یک حزب چپ فکاه با ماهیت کاملاً نوین به شمار می رود ، بدون شک از اهمیت بزرگ تاریخی برخوردار است. اهمیت آن از جمله در آن است که شماری از شخصیت های بالغ سیاسی که بار تجارب بیش از چهار دهه مبارزه سیاسی را با خود دارند و کوره راه های پر خم و پیچ تاریخ چهار دهه تاریخ کشور را آگاهانه طی کرده و از پیروزی ها غره و از شکست ها سرخورده نشده اند ، بار دیگر جمع آمده اند تا پرچم پرافتخار مبارزه به خاطر انسان زحمتکش را بدون آلودگی در هیچ یک از معاملات و معادلات مرسوم معرکه حاضر سیاسی کشور بار دیگر برافرازند.

فرمایش سیستم حاکمه سوسیالیسم دولتی بیوکراتیک دیروز - که سرنوشت محتوم آن بود - محمل های کاملاً نوین را برای بازنگری و نقد دیروز ، جهت راهیابی جنبش چپ نوین نقاد فراهم آورده است. شکست تاریخی چپ بهمین ویرانگری بود که از کوهستان تاریخ فرود آمد و دستاوردهای بزرگ انسان زحمتکش را که به بهای خون و عرق میلیونها زحمتکش به وجود آمده بود ، به گودال نیستی افکند.

رفقا ،
این واقعه ، شکست ساده یک سیستم اجتماعی نبود ، بلکه با خود بحران عظیم سیاسی ، اندیشه یی ، اخلاقی و زوایای را به همراه آورد. فرایند این شکست همچنان فراترستی بی رقیب مهارگیخته ترین ، هار ترین و متجاوز ترین لایه های نظام سرمایه را به دنبال داشت که دیگر بدون شرم و بی آن که نیت شان را برای برقراری امپراتوری سرمایه و تسلط بلامنازع بر جهان پنهان دارند ، نظم جهان را به میل و سود خود سمت می بخشند.

شکست تاریخی چپ صفوف گسترده و منظم چپ جهانی را به صورت غیر قابل جبران بر آفت و درهم ریختن ضربه شکست چنان کج کننده و ناگهانی (ولی قابل پیش بینی) بود که عده بیشماری از رهروان چپ در زیر بار آن کمر خم کردند. عده یی با این اندیشه باطل که گویا روز محشر تاریخ فرا رسیده ، بر تمامی پیکره اندیشه یی شان پا گذاشتند ، عده یی بر جنازه سالهای «هتر داده شده» شان گریستند ، عده یی به حاشیه گریختند ، عده یی در انتظار وقوع معجزه نشستند ، عده یی هم به «اصل» شان رجوع کردند و در منجلاب تعلقات طایفه یی ، قومی ، زبانی و مذهبی فروغلتیدند. عده یی شمار دیگر هم خارج گود نشسته اند و نمی توانند تصمیم بگیرند. عده یی هم (به خصوص در تجربه شکست جنبش کشورها) که آتش بیار معرکه تسلیم و شکست بودند و در ناجوانمردانه ترین معاملات با شنیع ترین وسایل با ارتجاعی ترین و سیاه ترین نیروها معامله کرده اند ، اینک برای غلبه بر افسرده گی های هجرانی و یا هم برای پی گیری پروژه یی که مامور انجام آن شده بودند ، در مهاجرت دکان باز کرده اند و مشغول به دستنشان های سیاستگراانه اند. در این بین عده یی هم برای همیشه از صفوف چپ و منافع زحمتکشان بریدند و رفتند تا بار دیگر در محرابی دیگر و به دنبال امامی دیگر سجده و اقتدا کنند.

رفقا ،
این فقط نیمرخ تاریک و نه سیاهی تمام نمای جنبش چپ است. جنبش چپ دارد از زیر آوار فروریخته تاریخ دلآرزان و با بار تجربه عظیم تاریخی سر بلند می کند. جنبش چپ دادخواه را ، داد را و عدالت را نمی توان برای همیشه سرکوب کرد و از متن تاریخ بیرون انداخت ، زیرا دادخواهی و داد با سرنوشت هستی و تاریخ بافت

به ادامه صفحه قبلی

فشرده سخنرانی داود گاوین

عاطفی، طایفه بی، زبانی و غیره هنوز پیوند خود را با این تشکل‌ها نبریده اند. در واقع آنان **گروگانان عاطفه و راجعه خود با رهبران دیروز** اند. برخورد ما با عده سیاست باز کار کشته حرفه بی که این تشکل‌ها را در طلسم خود نگهداشته اند، روشن است، ولی برخورد با هم‌زمان صدیقی که شکار آنان گردیده اند، حوصله، تأمل و شیوه‌های کاملاً دیگری را طلب می‌کند. **تعداد بیشمار از این هم‌زمان هنوز در عمق وجدان و اعتقاد شان با ما** اند، ولی نمی‌توانند از جال عکبوتی که در آن گیر افتاده اند، خود را رها سازند. بحران اندیشه بی و سازمانی که این تشکل‌ها را فرا گرفته، نمایانگر آنست که مقاومت جدی در برابر مواضع لیبرال در این تشکل‌ها وجود دارد. باید با کار دوامدار سیاسی، بحث، تماس و تأمین روابط به این رفقا کمک کرد تا بار دیگر در موضع زحمتکشان قرار گیرند.

رفقا،

علاوه بر تشکل‌های بازمانده گان ح.د.خ.ا. (حزب وطن) ده‌ها هزار رفیق هم‌زمان ما اند که هنوز در انتظار به سر می‌برند و اکثراً خواهان پیوستن به مبارزه فعال سیاسی اند. تجربه تماس‌ها با این رفقا نشان می‌دهد که **آنان به تشکل‌های پیش گفته شده اعتماد ندارند**. آن عده رفقای از این طیف که به نشرات «آینده» دسترسی داشته اند، روز تا روز به مواضع ما نزدیک تر می‌شوند و خواهان پیوستن به «نهضت آینده» اند. **این رفقا مهمترین اتکای بعدی سازمانی ما به شمار می‌آیند**. باید هرچه بیشتر با آنان رابطه گرفت و نشرات «آینده» را هرجی گسترده تر در اختیار آنان قرار داد.

پ - علاوه بر بازمانده گان ح.د.خ.ا. (حزب وطن) تعداد دیگر سازمانها، محافل و شخصیت‌های مستقل چپ وجود دارند که هرگز باید آنان را از نظر دور نداشت. ما شاید با عده بی از این سازمان‌ها مانند سوسیالیست کارگری (عصر جدید) و یا بخش‌هایی

از جریان ماترئستی سابق، هنوز اختلافات جدی داشته باشیم، ولی این اختلافات مواضع، نباید مانع آن گردد تا از تأمین رابطه، بحث و در صورت لزوم همکاری‌های مقطعی با آنان ابا ورزیم.

رفقا، ما همچنان باید از همین حالا دورنمای کار مشترک سیاسی را، علاوه از نیروهای بالقوه و بالفعل چپ، با نیروهای دگراندیشی، سیکولار و دموکرات در مبارزه مشترک برای تأمین و تعمیق دموکراسی در کشور و مبارزه برای جدایی دین از سیاست و طرد حاکمیت مذهبی از نظر دور نداریم.

رفقای عزیز، این‌ها اندیشه‌های بسیار کلی بودند در مورد واقعیت وضع چپ در جهان، منطقه و افغانستان. ما تلاش خواهیم کرد تا در آینده موضوعات فوق را با جزئیات بیشتر در نشریه «آینده» مطرح کنیم. رفقا، برای کنفرانس تاریخی ما که بدون شک سرآغاز رستاخیز مبارزات دادخواهانه ما و سنگپایه حزب فردای ما خواهد بود و همچنان برای هریک از شما پیروزی‌های بیشتر آرزو می‌کنم.

فشرده سخنرانی احمد ضیاء صدیقی در کنفرانس

رفقای عزیز،

کنفرانس وسیع حاضر در شرایط پیچیده بی دایر گردیده، گروه انبوهی از هم‌زمان ما به دلایل گوناگون در این کنفرانس حضور ندارند. دستان‌شان را می‌فشاریم. این رفقا عزیز اند، آنها دوش به دوش ما در راه حقوق خلقها و زحمتکشان مبارزه کرده اند، تاثیر گذاشتند و حماسه آفریده اند. ما نگران سرنوشت سیاسی این رفقا هستیم.

بگذارید تا از همه رزمندگان گان راه زحمتکشان و رفقای بی که در سالهای اخیر به دلایل مشکلات پیش آمده در مبارزه، از صحنه پیکار منظم و متشکل جدا شده اند، بی‌خوابم تا بار دیگر به این تشکل پیوندند و پرچم پرافتخار رهایی انسان زحمتکش را برافراشته تر سازند.

رفقا،

کنفرانس ما در زمانی دایر شده که اساسگذاری یک حزب چپ نیرومند در دستور روز قرار گرفته است. ما را باور بر این است که برای اساسگذاری یک حزب چپ نیرومند، سهمگیری همه جانبه تمام مبارزان وفادار به جهانبینی زحمتکشان، شرط اساسی تحقق این اقدام تاریخی است. بر بنیاد همین باور، درهای نهضت و حزب چپ فردا برای هر کدام این مبارزان گشاده بوده و آغوش آن فراخ است. اما آثانی که بر آرمانهای دیروز خود پا گذاشتند و رفتن را بر ماندن در خانواده چپ ترجیح دادند، از فرهنگ سیاسی-اقتصادی و اجتماعی احزاب بورژوازی پاسداری میکنند، ساز محافل حاکمه را می‌زنند و مبارزه طبقاتی را به سازش طبقاتی تبدیل میکنند، زحمتکشان نمیتوانند به آنها اعتماد نمایند، چه آنها دیگر به خانواده چپ واقعی تعلق ندارند.

«نهضت آینده» با ارایه طرحهای مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» برای ایجاد یک حزب نیرومند و دگرگون‌ساز، امکانات بزرگی را برای رشد جنبش چپ افغانی فراهم ساخته و گام بلندی را برای آزادی و سعادت مردم برداشته است.

ما باید به پیش برویم. ما دنیایی برای فتح کردن در پیش رو داریم. **زمان رسالت هویت بخشیدن جنبش چپ افغانی را به دوش ما گذاشته است.**

ما باور داریم که سازمان ما به یک حزب سیاسی مبدل میگردد، حزبی که مردم خواهند دیدش و قدرتش را تشخیص خواهند داد، شخصیت‌هایش را به اسم و تیافته خواهند شناخت، نشراتش را به دسترس خواهند داشت و صد‌ها کادر مشهور از آن سر برخواهند آورد. مردم درخواهند یافت که این حزب به خاطر مرامنامه اش، اهداف دور و نزدیکش، جایگاه طبقات زحمتکش در تعقل و پراتیکش، سنت‌های سیاسی اش و اعتقادش به جهانبینی علمی یک حزب متعلق به دنیای

کار و زحمتکشان کشور است.

رفقا، حزب آینده ما، حزب اشخاص نیست. حزب کلمات قصار نیست، حزب محافل نیست. حزب سکوت‌های پرمعنا و شعارهای بی معنا نیست. این حزب سازمان واقعی سیاسی-اجتماعی خواهد بود که خودآگاهی و سیمای تیوریک آن را مبارزات فکری و اندیشه بی عمیق جهانبینی زحمتکشان تشکیل میدهد.

سازمان ما مربوط به نسلی از انسانهای واقعی است که برای تغییر و دگرگونی و نوسازی جامعه افغانی مبارزه کرده اند، جنگیدند، جانهای عزیز خود را فدا کردند، ضربه خوردند و شکست عمیق بر آنها تحمیل گردیده، آرمانهای خود را با درسهایی که به بهای گزاف آموخته اند، به این سازمان آورده اند.

حزب آینده سازمانی خواهد بود، دارای مرامنامه و اساسنامه شفاف، رهبری انتخابی و مصوبات روشن، افق تاریخی قابل دید و انسانهای دارای هویت، حزبی که نسلی از انسانهای روشن بین که آزادی، برابری و رفاه را، حق مردم افغانستان و زحمتکشان جهان میدانند، در آن متشکل میگرددند.

سازمان ما خانه مشترک کسانی است که جز پیروزی خلق زحمتکش و رهایی وطن از بندهای قرون وسطایی و استقرار یک نظام عادلانه و دموکراتیک آرزو و اندیشه بی ندارند.

رفقا،

جنبش چپ افغانی بعد از شکست عمیق و اُفت تحمیلی، دارد به پا می‌خیزد. عقب نشینی نیروهای عدالت طلب و ترقیخواه هر چند هم موقتی است، موجی از سرخوردگی، ناامیدی، بی‌باوری و سردرگمی تیوریک را با خود همراه داشته است. کم نیستند نمونه‌های تاریخی که پس از هر عقبگرد و شکست بزرگ عده بی صادقانه و تعدادی مُزورانه و از سر فرصت طلبی حساب خود را از نیروهای شکست خورده جدا کرده و به صف «پیروزمندان» می‌پیوندند. آنچه‌توانیکه پیشگامان جنبش انقلابی جهان نشان داده اند: «این چیزی جز تبلور اصل قانونمند حاکمیت، منافع طبقاتی در عملکرد تاریخ انسان‌ها نیست...».

همچنان در پی این شکست بزرگ تاریخی، کم نبودند نیروهای چپی که مبارزه طبقاتی را پایان یافته اعلام کردند، «نظم نوین جهانی» را به جان خریدند، مبارزان راستین راه زحمتکشان را «چپ‌گرایان سنتی» و «جزم‌گرا» نامیدند، دسترسی به آرمانهای والای زحمتکشان را از ناممکنات زمان خواندند و در دایره واژه‌ها و در لفافه اصطلاحاتی چون «نواندیشی»، «نوگرایی»، «تجدد طلبی»، «مردم سالاری»، «حاکمیت خیره گان» و «بازار آزاد» مشغلدار و مدافع نظریاتی شدند که نه تنها به نوگرایی، نو اندیشی و مردم سالاری ارتباط ندارند، بلکه در عمل جز دفاع از

واپسگرایی و اندیشه ارتجاعی سرمایه داری به منزلت یک نظام مبتنی بر استثمار زحمتکشان چیز دیگری نمیتواند باشد

عجب اینکه تعدادی از «انقلابیون سابقه دار» و سکندار کشتی جنبش چپ دیروز سکوت را شکستند و در مسابقه برای بریدن بر ارایه «دموکراسی بورژوازی»، «دموکراسی اسلامی»، «ناسیونالیزم»، تقدس «بازار آزاد» و مالکیت بورژوازی دست و پای یکدیگر را لگد میکنند.

رفقا، ما منتظر بودیم ببینیم «نهضت آینده» چی میکند، کجا میرود و در کجا می‌ایستد. ما دریاقیم که «نهضت آینده» ینش و موازین و اصول سیاسی و عملی دارد. به همت شما هم‌زمان امروز هر موافق و

مخالف ما میتواند سیمای فکری، سیاسی و عملی «نهضت آینده» را درک کند و به روشنی جایگاه سیاسی فردای آن را در صحنه سیاسی کشور تعریف کند.

رفقا، کنفرانس ما در شرایطی دایر گردیده که فقر کشنده، از کران تا کران کشور، گلوی زحمتکشان را می‌فشارد. برخلاف تبلیغات عوام‌فریبانه ارتجاع حاکم بر کشور و سازیر شدن میلیارد ها دالر به داخل کشور، اکثریت مردم در فقر زنده گی میکنند، مردم قدرت خرید خود را از دست داده اند، عاید سرانه آنها به پایین ترین سطح تقرب نموده و به گرسنه گی مواجه اند. با گذشت هر روز، لشکر بیکاران طویل تر میگردد. میلیونها انسان این سرزمین به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، مردم گروه گروه به دلیل فقر و گرسنه گی و بی‌آبی از محلات اصلی سکونت خویش به سوی سرنوشت نامعلوم متواری میگرددند. بر اساس گزارشات منتشره رسمی دولتی ۶.۵ میلیون نفوس روستایی (رقم واقعی بیشتر از این است) که اکثریت آنها را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند، به مواد غذایی دسترسی ندارند.

بیامدهای جنگ، تجاوز و تخریب و اشغال در تمام عرصه‌های زنده گی کشور محسوس است. هر روز صد‌ها تن از مردم زحمتکش ما از نبود غذا، سرپناه، آذوقه، زنده گی خود را از دست میدهند، صرف نظر از چند مکتب و مدرسه در شهر کابل و مراکز چند شهر بزرگ، اکثریت کودکان (دختر و پسر) از آموزش و تعلیم و تربیه محروم اند و انواع خشونت بر زنان و کودکان اعمال می‌گردد.

فقر سیاه گلوی دهقانان را می‌فشارد، سمت گیری اقتصادی-اجتماعی ضد ملی «حاکمیت» باعث تشدید فقر و تیره روزی میلیونها دهقان کشور گردیده است، سیل مهاجرت‌های اجباری و کتلوی نفوس دهاتی، از ثمرات این سمتگیری ضد مردمی است. بر اساس گزارشات اخیر سازمان ملل متحد که در نومبر سال ۲۰۰۴ انتشار یافت، در افغانستان در سال

اجتماعی-اقتصادی به نفع زحمتکشان و منافع دورنمای آنان نایل گردیم. —
 رفقا، طی سالهای اخیر تحولات مهمی در ساختار اقتصادی-اجتماعی کشور، آرایش طبقاتی جامعه و شیوه های تولیدی و ترکیب نیروهای مولده آن رخ داده است. بنابراین تحلیل، تجزیه و ارزیابی تغییرات و تحولات اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کشور و درک و شناخت واقعیت ها و روندهای جاری جامعه و دریافت اساسی ترین بافتهای اقتصادی آن به حیث یک وظیفه نهایت مهم در مقابل سازمان ما قرار دارد. پیشنهاد میکنم تا با سنجش بیشتر، دقت مسؤولانه و کارشناسانه و با تفکر و نقل جمعی در این زمینه گام برداشت و از تجربه کاری و خرد جمعی نیروی روشنگری خانواده چپ استفاده نمود، چپ گزینش راه انکشاف و تعیین راهها و وسایل برای رفع عقب ماندگی اقتصادی کشور، مستلزم درک و شناخت دقیق علمی و عینی ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور و چگونه گی آرایش طبقاتی آن پنداشته میشود.

اینکه در یک کشور بی نهایت عقب نگه داشته شده، جنگ زده و ویران شده با اقتصاد ورشکسته و در حالت رکود و مردم در فقر نشسته با پایین ترین قدرت خرید، فعالیت و عملکرد مثل «اقتصاد بازار» با ویژه گیهای نظری آن میتوان تضمین گردد یا خیر؟ و یا اینکه گزینش مثل «اقتصاد بازار آزاد» با پذیرفتن آزادیهای ساختاری آن یا نیازمندیهای اساسی مردم همسوی دارد یا نه؟ بحثی است جداگانه که باید بدون تعصب از دید اقتصاد سیاسی با رجحان منافع زحمتکشان به آن پرداخت.

برخی از نکات نظر و ارزیابیهای ما در رابطه به :
 - ماهیت و ویژه گیهای ساختاری مدلهای اقتصادی،
 - گزینش راه رشد و انکشاف و تعیین راهها و وسایل برای رفع عقب ماندگی کشور و چگونه گی تحولات مهم در آرایش طبقاتی جامعه افغانی طی سالهای اخیر،

در نوشتار های جداگانه ارایه گردیده که بعدا به نشر خواهد رسید.
 رفقا،

در فرجام باید گفت : اینکه دیروز ما چه کرده ایم؟ امروز چه میکنیم و فردا چه خواهیم کرد؟ در مورد آن آینده گان بهتر دوری خواهند کرد. ارزیابی آنها صایب و محاسبه آنان سخت خواهد بود. «آینده» به تضاد تاریخ می نگردد.

باور ما این است که «آینده» قوی تر، پرشمه تر و دگرگون کننده تر و برپا تر و سازنده تر از امروز است.

«راز دل زمانه کجا، کی نهفتنیست
 بر چرخ آنچه برگزود، بر شمردنیست
 تاریخ همچو پرده نقاش چیره دست
 تصویر صادقانه بی از ما کشیدنیست».

بیدهی است که راه جنبش چپ در آینده جدا از این محاسبات موقتی است. زیرا آرمانهای زحمتکشان، آرمان ایجاد جامعه مبتنی بر برابری اجتماعی و اقتصادی قزنهاست که در ذهن بشریت مترقی وجود داشته و از سینه به سینه، از نسل به نسل انتقال یافته و تا کنون بارها و بارها به اشکال گونه گون نسخه هایی برای رسیدن به آن ارایه شده است.
 من به حیث یک انسان مستقل از لحاظ تشکیلاتی، لیکن عمیقاً معتقد به جهانی بینی علمی و آرمانهای زحمتکشان حرفهای زیادی دارم که این پیام گنجایش آن را ندارد.
 فقط در این لحظه توجه همه آنان را که خود را به جنبش چپ افغانستان مربوط میدانند، به این امر مطلق میکنم که در داخل کشور خلی عمیقی از لحاظ ذهن، اندیشه و طرح وجود دارد.

طرحها و اندیشه های چپ باید به داخل کشور برده شود. در غیر آن در فضای معامله گری و سازش نیروها و افراد وابسته به چپ دیروزی با سیاست های امپریالیستی امریکا و عدم موجودیت یک اکثریت چپ در برابر حوادث جاری کشور زمینه های هرچه بیشتر به نفع بنیادگرایی، ناسیونالیسم و عقب گرایی مهیا می گردد.
 نیروهای عقب گرا با استفاده از احساسات ضد بیگانگی گان در بین مردم در شرایط عدم کارایی دولت، فقر جانکاه مردم، فساد اداری، بیعدالتی، زورگری و بی بازخواستی تلاش دارند پروسه های جاری را به نفع خود سوق دهند.

من، در چنین شرایطی، تکمیل مرامنامه «حزب مردم افغانستان» و طرح و تدوین برنامه مقطعی برای اوضاع و احوال کنونی و پرداختن بیشتر نشریه وزین «آینده» به مسایل جاری و حاد جامعه و از یک ضرورت می بینم.

رفقای عزیز!
 در اخیر آرزویمندم کار کنفرانس شما با موفقیت توأم باشد و برای هر یک از اشتراک کنندگان چنین آرزو را دارم.

با صمیمیت رفیقانه، استکھلم، ۱۲ جنوری ۲۰۰۵

تغییرات کیفی عمده در مناسبات جهانی، برای شرکتهای فراملتی فرصتی پیش آمده است که خود را برای تصاحب منابع سیاره ما به خصوص در کشورهای عقب نگه داشته شده و در حال انکشاف و به اسارت کشیدن میلیونها مغز و بازوی کار آنها بسیج کنند. منطقه و کشور ما از جمله مناطقی است که برای غارت آن کمر بسته شده است.

افت تولید داخلی، اقتصاد کشور را بیش از پیش به واردات کالاهای خارجی وابسته ساخته است. چنین روند به تمرکز هرچه بیشتر سرمایه سیال در دست سرمایه داران تجاری می انجامد و کشور را تبدیل به یک جامعه مصرفی می نماید و پرتنسیال تولیدی کشور را می بلعد.

بنابراین تغییر ساختار اقتصادی به منظور تئوی سرمایه گذاری مولد و تأمین رشد واقعی برای صنایع تولیدی و توسعه صنایع مفید و کلیدی و زیرساخت های اقتصادی و تقویه اهرم های مناسب کالایی و پولی متمرکز در دست دولت و سایر سکتورهای اقتصادی برای بالا بردن میزان سود آوری لمر بخش اقتصادی، افزایش انباشت داخلی تأمین رشد متوازن اقتصادی و بالا بردن سطح زنده گی زحمتکشان از اولویت های برنامه اقتصادی سازمان ما خواهد بود.

در کشور ما که سطح پایین نیروهای مولده، ساختار اقتصادی ناقص، سیستم اقتصادی پیچیده، موجودیت شیوه های اقتصادی فیودالی و ماتقبل فیودالی، سهم بیشتر اقتصاد طبیعی (تولید به منظور برآوردن نیازهای مرلدین) سطح پایین بازدهی کار و مولدیت از جمله خصوصیات اساسی اقتصادی آن به شمار میرود و از جهت ساختار اقتصادی-اجتماعی مرکب از اقتصاد چندین شیوه یی (طبیعی، خرده کالایی، نیمه فیودالی و بورژوازی تجاری) است که هرکدام از خود مناسبات مشخص تولیدی را به وجود آورده و مزید بر آن تخریبات جنگی به ناقص بودن ساختار اقتصادی کشور و پیچیده گی های اقتصادی-اجتماعی افزوده است. تعیین

اهداف استراتژیک و دورنمای اقتصادی و هم برنامه های مقطعی و مرحله یی و هم گزینش راهها و وسایل انکشاف مقدم از همه درک صیق مختصات ساختارها و اهرمهای اقتصادی و سنجش همه جانبه را اجتناب می نماید.

با در نظر داشت اوضاع سیاسی و بحران ساختاری اقتصادی کشور، «نهضت آینده» در ارتباط به سیاست اقتصادی و گزینش راه انکشاف از جنبه نظری در طرح مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» موضع خویش را تا حد ممکن و مقدور به صورت کلی ارایه نموده است. ما تلاش میداریم پیوسته سیاستهای سودجویانه و استثمارگرانه اقتصادی «حاکمیت موجود» را مورد بحث و نقد و ارزیابی قرار دهیم تا بتوان به ملاحظه آن با تجزیه و تحلیل جوانب مشخص تحولات اقتصادی-سیاسی جهان و اوضاع و امکانات کشور به دریافت مناسب ترین جاگزین راه رشد و انکشاف

۲۰۰۴ میلادی ۴۲۰۰ تن مواد مخدر تولید گردیده که نظر به سال قبل ۱۷ فیصد تزئید را نشان میدهد. همین اکنون ۷۸ فیصد تولید جهانی تریاک از افغانستان تأمین میگردد. به رغم تبلیغات عوامفریبانه یی که در رابطه به مبارزه علیه تولید، کشت و ترافیک مواد مخدر به عمل آمده، کشت نباتات غیر مجاز در کشور به صورت یی سابقه یی گسترش حاصل نموده، برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ کشت کونکرا از محدوده چند ولایت فرا تر رفت و در ۳۲ ولایت افغانستان کشت شد. طی این سال در ساحة کشت نباتات غیر مجاز ۶۴ فیصد افزایش به عمل آمده است. بر اساس سنجش های مقدماتی سازمان ملل متحد درآمد مواد مخدر در سال ۲۰۰۴ بیشتر از ۲.۸ میلیارد دالر امریکایی محاسبه گردیده که تقریباً ۶۰ فیصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل میدهد.

با دروغ که تجارت تریاک عمده ترین فعالیت اقتصادی گردیده، شائنه زارعین زیر بار استثمار و فشار معامله گران مواد مخدر خم گردیده و ثروت ها عملاً به دست قاچاقچیان مواد مخدر، قوماندانهای محلی و ملاکین بزرگ متمرکز گردیده است. ترویج و تکثیر نباتات غیر مجاز و کشت گسترش یابنده آن به ویژه بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به زرع نباتات اصلی ضربات ریشه یی وارد نموده و عملاً اقتصاد زراعتی-صنعتی به رکود و حالت فلج کشانیده شده است.

بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ با توجه به تعهداتی که از طرف جامعه جهانی و کشورهای ذیدخل در مسأله افغانستان عنوان گردیده، انتظارات زیادی در میان زحمتکشان برای بهبود شرایط طاقت فرسای کنونی ایجاد شد که تا کنون بی پاسخ مانده است.

ما با تاکید ابراز میداریم که نمیتوان با ادامه سیاستهای فاجعه بار کنونی اقتصادی هیچ گام موثری در راه مبارزه با فقر و تأمین عدالت اجتماعی برداشت. **عدالت اجتماعی تنها با توزیع عادلانه ثروت در جامعه امکان پذیر است. هیچ یک از برنامه های اتخاذ شده از**

سوی «دولت جدید» نشانی از حرکت به این سمت را با خود ندارد.

در این جای شکی نیست که سیستم جهانی فراملتی سرمایه داری به منظور جهانی سازی سرمایه مالی با استفاده از امکانات پروسه شتابنده «جهانی شدن» و سود بردن از شرایط و مجبوریهای کشورهای، به خاطر در بند کشیدن ملل جهان در تلاش است و از طریق اهرم های اقتصادی و کنترل ها و اتحادیه های مالی چون «صندوق بین المللی پول»، «بانک جهانی»، «بانک توسعه آسیایی» و «سازمان تجارت جهانی» با اجرای مقررات محدود کننده عمل اقتصادی و قراردادهای مربوط به قیم و تعرفه های مالی و تجارتی، اراده و صلاحیت عمل اقتصاد-سیاسی دول و ملل کشورها و رویبنای سیاسی آنها را سلب و حذف میدارد. به دلیل شرایط پیچیده تکامل تکنالوژی و ارتباط و

پیام انور فورام به کنفرانس

رفیق عزیز عبدالله نایبی!

رفیق عزیز سالم مبارک!

رفقای گرامی اشتراک کننده گان کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»!

قبل از هر سخنی اجازه دهید دودهای رفیقانه و شاد باش های گرم خود را به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران «نهضت آینده افغانستان» برسانم و موفقیت کار کنفرانس سراسری شما را آرزو کنم.

رفقا!

پیشگامان «نهضت آینده» در شرایطی کار در عرصه اشاعه جهانی بینی علمی و دفاع از اندیشه های دادخواهانه و مترقی را آغاز کردند که جنبش چپ افغانی بنا بر شکست در برابر تهاجم نیروهای سیاه ارتجاع و سرمایه جهانی دچار سرد گی، سرکشته گی، عقب نشینی، تشتت و پراکنده گی شدید شده بود. این رفقا با شهادت بی نظیر پرچم آرمانهای زحمتکشان را بلند کردند و در صف جهانی نیروهای ضد ارتجاع، ضد بهره کشی و ضد امپریالیسم به طور علنی قرار گرفتند. این در حالی بود که بسیاری از مدعیان بلند پایه دیروزی جهانی بینی علمی و «مدافعان آتشین زحمتکشان» ترک صف کرده و به منادیان علنی اندیشه های نیولیبرالیستی مبدل شده بودند. به جای بررسی نقادانه از گذشته جنبش چپ روحیه ندامت و پشیمانی از عقاید و نظرات خود را اشاعه میدادند و بنا بر آن طرحهای سازشکارانه، انتقادی، فاقد دورنما و جدا از منافع زحمتکشان را ارایه می کردند و هنوز هم می کنند.

پیام حشمت اورنگ به کنفرانس

نشرده پیام رزاق پیکار به کنفرانس

رفقای گرامی، اشتراک کننده گان اولین کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»، شادباشهای صمیمانه مرا به مناسبت این رویداد با اهمیت که بعد از نشر «آینده» گام دیگر گریست به خاطر تکامل و جمع بندی وظایف آینده جنبش چپ، پذیرید.

شورای مرکزی «نهضت آینده» که از افراد با ایمان و شایسته راه نجات زحمتکشان و انسان تشکیل خواهد گردید، تکانه بیشتری به فعالیتهای سازمانی، اندیشه یی و سیاسی، مخصوصاً کار پُرثمر نشراتی خواهد داد. «آینده» تا حال با پخش و نشر مقالات و تحلیل‌های تیوریک و نوشته های علمی، نقش روشنگرانه و رهگشا را در شناخت ساختارهای اجتماعی و طبقاتی جامعه ما و راههای پرور رفت و نجات بخش برای بسیاری از پیروان دیروزین ح.د.خ.ا. (حزب وطن) و روشنفکران شیفته مبارزه بازی نموده است. با تحلیل‌های تیوریک و جامعه شناسانه «آینده» میتوان گروه های نو تشکیل یافته را محک زد و خوب تر شناخت.

با صراحت باید بگویم که از بسیاری تحلیل های علمی تیوریک شما مخصوصاً از نوشته های رفیق عبدالله نایبی، منشی اول «نهضت آینده» میتوان بسیار آموخت. چنین عمق و پهنای شناختی را از عرصه های مختلف طبقاتی، اجتماعی افغانستان، علل و عوامل شکستها و برآمد ارتجاع را در نوشته های چپ دیروزین افغان کمتر سراغ داریم. پخش ارگان نشراتی «آینده» و به دسترس روشنفکران وطن قرار گرفتن آن، در مرحله موجود، از وظایف بزرگ انقلابیست و باید با تمام وسایل ممکن ادامه یابد و عملی شود.

اینجانب هنگام ۵ ماه اقامت در کابل، مرکز و عصب سیاسی کشور، تقریباً هیچ اثری از نشریه «آینده» نتوانستم ببینم و این قابل انتقاد جدی است. پایگاه اصلی و جایگاه اصلی آنجا یعنی وطن است. فقط مردان شجاع که به فکر حفظ پل های عقبی نباشند، در کار ترویج سهم می گیرند و این نوع جوانان کم نیستند.

تلاش برای به انحراف کشیدن فکری جوانان که نصف نفوس کشور را تشکیل میدهد، از طریق وسایل اطلاعات جمعی امپریالیستی که به زبانهای کشور به نشر میرسند، به شدت جریان دارد و این ما را مجال سهل انگاری نمی دهد.

مردم از امپریالیسم و باغهای سرخ و سبز آن که گویا کشور ما را به «دوای دوم» تبدیل خواهد کرد، مایوس شده اند. اکثریت مردم افغانستان در فقر به سر می برند، حتی جوانان تحصیل کرده کار نمی یابند. صرف یک گروه چپاولگر و معدود، میلیونر و مولتی میلیونر به دالر میشوند. امریکا آگاهانه زمینه ساز آن است تا قشر ثروتمندی را به حیث پایگاه اجتماعی خود دست و پا کند تا سیاست خود را توسط آن ادامه دهد.

ارتجاع داخلی و گروههای رنگارنگ آن جذابیت و محبوبیت ندارند. در ضدیت با مبارزه با ارتجاع داخلی، منطقه و امپریالیسم، تحرک و تلاش حزب سازی با برنامه های رنگارنگ از طرف روشنفکران و همچنان حوارین ارتجاع و امپریالیسم در جریان است. داشتن روابط نیک و سازنده به خاطر رشد جنبش و راهیابی درست آن با احزاب ملی و دموکرات که جای پایی در بین مردم باز بتوانند، ضروری است. از اینها یکی دو حزب یا برنامه های ملی-دموکراتیک برآمد خواهد کرد. به باور من یکی از آن دو در صورت وحدت سازمانهای موجود، مشتق از «حزب دموکراتیک خلق» و «حزب وطن» خواهد بود. روابط نزدیک یا این حزب که عمدتاً از افراد سابقه «حزب وطن» با داشتن عقاید چپ تشکیل خواهد شد، مهم است. نقش قطب نمای «نهضت آینده افغانستان» و «حزب مردم افغانستان» در صورتی که به همین کیفیت عالی ارگان نشراتی، اصول سازمان دهی، تشکیلاتی و سیاسی خود را ارتقا دهد و باور به آینده پرمسعدت بشری را زنده نگهدارد، درخشان خواهد بود.

در این راستا موفقیت شما را در پیشبرد کار کنفرانس از صمیم قلب آرزو می کنم تا این آرمانهای انسانی به تحقق برسند و شما خشتی را در دیوار آن گذاشته باشید. ۱۲ جنوری ۲۰۰۵

پیام دکتر موسی آتش به کنفرانس سراسری

رفقای عزیز،

از زمانیکه دریافتم که در نظامهای استعماری، نیروی کار انسان زحمتکش، یعنی زنده ترین و پویا ترین بخش زنده گی او، به حیث ثروت چپاول شده به مالک تکیه میکند، لحظه یی هم از مبارزه برای رفع این بیعدالتی بنیادی تاریخ بشر، فارغ نگشته ام. جنبش انقلابی جهانی که برای ایجاد سوسیالیسم راهی بخش میرزند، به حق رفع بهره کشی، پایان تقابل‌های ملی و استقرار جامعه فارغ از طبقات را یگانه بدیل برای وضع موجود جهان تلقی میکند. برای رسیدن به این اهداف تنها سازمانی میتوانست مبارزه را ستمدهی کنند که با جهانیستی علمی مجهز باشند. «نهضت آینده افغانستان» از همان بدو تاسیس خود راه زحمتکشان را برگزید و در این راه گامهای استواری را برداشت.

اینجانب به حیث یک باورمند دیرین تفکر سوسیالیستی اجازه میخوام تا بهترین تمنیات خود را به پیشگامان و ایجادگران این نهضت، از جمله به رفقای دانشمند، مبارز و انقلابیون پیگیر عبدالله نایبی و دکتر سالم سهارنگ و تمام اشتراک کننده گان کنفرانس تقدیم بدارم و برگزاری کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» را به شما شاد باش بگویم.

رزقا، چه قدر به خود میبایلم اگر سعادت قرین عالم میگردد که در این کانون پرافتخار شخصاً حضور می یافتم و در جر و بحث پرشور و رفیقانه و فیصله ها و تصمیم آن سهم فعال میداشتم که با دریغ و افسوس به مناسبت وضع ناهنجار صحنی به این افتخار نایل نشده ام و این پیام را از بستر بیماری برای تان ارسال میدارم.

به امید پیروزی کار کنفرانس. دستهای هریک تان را میفشارم.

رفیق همرز و همقطار تان، ۲۰ جنوری ۲۰۰۵، استوکهلم، سوئد

رفقای عزیز، اشتراک کننده گان کنفرانس،

«نهضت آینده افغانستان» بر بنیاد تحلیل دقیق از وضع جامعه و نیروهای سیاسی، ادامه و از سوگیری مبارزه دادخواهانه را با پرداخت و آرایه میتودها و شیوه های نوین آن به پاس زنده داشت و تحقق آرمانهای انسانی شهدای راه «ح.د.خ.ا.» که به خاطر راهی انسان زحمتکش از جنبه ظلم، ستم، بیعدالتی، فقر و بیسوادگی جان های خود را فدا کردند، از وظایف مهم تاریخی خود میدانند و با نتیجه گیری دقیق از عوامل شکست و فروپاشی «ح.د.خ.ا.» نشان داد که علت شکست آن، نادرست بودن اهداف و آرمانها، یا ضدیت زحمتکشان با آن آرمانها نبود، بلکه به خاطر پراتیکتی بود که در یک وضعیت نامساعد ملی و جهانی، «تصمیم گیرنده گان» جنبش را به بیراهه کشانیدند؛ پس به جای وداع گفتن با آن آرمانها باید آن «پراتیکتی سیاسی» را مورد ارزیابی نقادانه قرار داده و پراتیکتی جدیدی را در انطباق با اشتراکاتی جنبش در پیش گرفت.

تشکل آگاهترین، باورمندترین و مبارزترین عناصر در نهضتی که به اندیشه های پیشرو عصر ما و آرمانهای اساسگذار «ح.د.خ.ا.» وفادار مانده اند، ضرورت نوزایی و نوسازی جنبش چپ افغانی را در دستور روز قرار میدهد.

این تشکل منعیث یگانه مشعل مطمئن فرا راه تداوم و نوسازی به دور هسته مرکزی «نهضت آینده افغانستان» یک بار دیگر نقش سازماندهنده روشنفکران مبتکر و مبارز را از طریق مبارزه نقاد اندیشه یی برانزده ساخت.

اگر یک بار واقعیتنا و دلسوزانه به تاریخ گذشته آنچه ما شاهد وقوعش بودیم، بنگریم و آن را در ارزیابی و قضاوت بیطرفانه و مثبت قرار داده، عنصر باور را در اندیشه به کار ببریم، آنوقت ناگزیریم به جمع واقعیت گریان و پیروان راه واقعیت و عدالت بپیونیم؛ بدون شک که دیگران را و خود را در حرکت بعدی مان به سوی آینده درخشان و انسانی گم نخواهیم کرد و به بیراهه کشانیده نخواهیم شد.

رفقای محترم!

امروز در جهان حکومت «اقتصاد چپاول» و سیادت غارتگران تاریخ حکمفرماست. برداشت واقعی و برخورد با اصول نوین مبارزه از ما می طلبد، تا درس «ایشان»، درس ترک ستهای خرافی دیروزی، درس آزادی انسان زحمتکش از چنگال خونین امپریالیسم و ارتجاع همدست آن، درس باور رفیقانه و صداقت رفتاری و گفتاری را بیاموزیم و ملاک عمل قرار دهیم و بالاخره خون تازه و میرا از مرضی های کشنده دیروزی را در رگهای پیکر نوزاد جنبش چپ افغانی که در بستر بحرانی جهان حاضر تولد گردیده است، جاری ساخته و جاری نگهداریم و خود را مکلف بدانیم تا از

شیوع دیواره امراض فوق در آن جلوگیری نمایم و نگذاریم تا بار دیگر آرمانهای پاک خلق های ستمدیده فدای خواهشات کثیفانه معامله گران شناخته شده گردد.

عشق پرداختن به مبارزه دادخواهانه و راهی خلق از ستم طبقاتی، عشقیست انسانی، ایشاری و شوریست آفریننده، پالایشگر و بالاخره عشق انسان به انسان و انسان به جهان آزاد و رها از طبقات و انواع محرومیت های اجتماعی انسانی.

«نهضت آینده افغانستان» رفقای را که باورمند به مبارزه پیگیر و بنیادی به خاطر ایجاد جامعه عادلانه میباشند، برای مبارزه منسجم و متشکل در یک سازمان پابرجا در تاریخ دعوت کرد، چون معتقد است که تنها مبارزه دسته جمعی، آگاهانه و هدفمند راه را برای پیروزی طبقات مظلوم مینمایاند.

«نهضت آینده افغانستان» به مثابه تشکل دهنده قانونمند جنبش چپ بنیادی در وجود آگاهترین و باورمندترین رفقا کار و پیکار خسته گی ناپذیر را در جهت نوزایی و نو سازی «تشکل اندیشه یی» به پیش میبرد.

عناصر مهمی که در نوزایی و نوسازی «تشکل اندیشه یی» نقش اساسی دارند، آزادی، باورمندی و آگاهی اند که همواره در وجود انسان های روشن اندیش و دگراندیش جامعه که میخواهند مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی را تغییر بنیادی بدهند و مجموع عوامل بدیختی عقبمانی گذشته را مردود شمرده و تفکر خود را از زندان پدیده های خرافی قرون وسطایی آزاد نموده باشند، رشد و تکامل مینمایند.

نقش و تاثیر اندیشه های پیشرو در رهنمود عمل و پراتیکتی ما، در مبارزه آگاهانه برای راهی انسان زحمتکش از جنبه بیعدالتی ها به حیث ضامن تداوم مبارزه آگاهانه زمانی برجسته میشود که: «اندیشه به اعتقاد راسخ و به شعور مادی در سیستم فکری ما مبدل گردد»، تنها با رشد و فراگیری متداوم جهانیستی علمی و نقاد زحمتکشان در خود، میتوان به حیث یک عنصر آگاه و مبارز نقاد و پیشرو در «تشکل اندیشه یی-سازمانی» جایی برای خود دید و در پروسه مبارزه آگاهانه به نفع انسان زحمتکش اشتراک ورزیده، علیه تاریک اندیشی و خرافات در جامعه مبارزه کرده، در پخش و اشاعه اندیشه های پیشرو فعالانه سهم گرفت؛ در غیر آن، هم خود را اغوا خواهیم کرد و هم رفقای مبارز خود را و هم در جهت برگشت به گذشته اسف انگیز و بیراهه که انجام آن سقوط در گودال تاریخ است، سیر خواهیم کرد.

از اینکه نتوانستیم حضوراً در کنفرانس شرکت کنیم، مرا معذور دارید. من از تمام فیصله های انقلابی تان پشتیبانی خواهم کرد.

دست تان را میفشارم
با احترام
رزاق پیکار از هالند

نشرده پیام و تقاضا نامه پوهندوی دکتور سید حسام (هل)

پیام محی الدین قاسم به کنفرانس

دوستان و رفقای گرامی، شرکت کننده گان کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» ای نخبه ترین فرزندان وطن دوست افغان، رهروان راه صلح و آزادی، پیش قولان و مدافعان آرمان های والای زحمتکشان که شجاعانه و فداکارانه در این گردهمایی تاریخ ساز شرکت نموده اید، بهترین سلامها و دودوها و شادباش ها نثار تان باد. **افدام ستورگ «نهضت آینده»** در جهت ایجاد یک تشکل سیاسی که بتواند وظایف و توانمندی دفاع پیگیر و قاطع از منافع زحمتکشان را در روشنی جهانی متریقی به عهده گیرد، پاسخی قانونمند به نیازمندی تاریخی کشور ما میباشد.

طرح مراننامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» در شماره ۲۰ ثور (اپریل ۲۰۰۴) نشریه «آینده» اساسات اندیشه یی و تشکیلاتی یک حزب چپ افغانی خلاق و نقاد را در دستور روز قرار داد. پیش کشی طرحهای متذکره به تمام طرفداران، هواخواهان و اندیشمندان چپ آگاهی داد تا به خاطر تشکل و نیرومند سازی این موج ترفغان از بسیج گردند و منحصبت ادامه دهنده گان و وارثان صدیق مبارزات دادخواهانه پیشینه گان افغان به نقش تاریخی خود مسؤولانه برخورد نمایند. فقر و بیپداد در کشور حکمفرماست. مردم با مصیبت های گوناگون دست و پنجه نرم میکنند. دولت مرکزی با نیروی منسجم وجود ندارد. ارتجاع جهادی چه در مرکز و چه در ولایات به تداوم انارشی در خدمت ستمگران و جابران جنگ سالار قرار دارد. مردم از ابتدایی ترین ضروریات زنده گی محروم اند. **با درک از اوضاع مسلط در کشور ما، جامعه افغانی پیش از پیش به وحدت اندیشه یی و تشکیلاتی نیروهای چپ نیازمند است تا به خاطر راهی زحمتکشان کشور از استبداد داخلی و خارجی گام های عملی و سازنده برداشته شود.** زمان آن فرا رسیده است تا به بحث های روشنفکرانه بدون محتوا خاتمه داده شود.

رفقای ارجمند، برخورد با مسایل و پرابلم های اجتماعی-سیاسی شیوه های متنوع را احتوا میکند. مهم ترین مساله برای یک حزب سیاسی همانا انتخاب معیارها و محک هایی میباشد که بر اساس آنها هويت و موقف سیاسی خود را در ساختار سیاسی جامعه مشخص میسازد. تحلیل علمی و همه جانبه از اوضاع جامعه در عرصه های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و... مشخص نمودن پرابلم های بنیادی، تعیین اهداف و دریافت راه ها، طرق و وسایل نیل به آنها، وظایف مبهم یک حزب سیاسی چپ را تشکیل میدهد.

بعد از سقوط حاکمیت دولتی حزب وطن (ج.د.خ.ا.) در کشور و فروپاشی «تکیه گاه صلح و سوسیالیزم» در مقیاس جهانی، متأسفانه شک و دودلی ها جنبش های چپی، از جمله نیروهای چپ افغانی را آنچنان سراسیمه نمود که نخست آنها را وادار به سکوت و سپس به مسخ کردن اهداف و اصول بنیادی راه راهی زحمتکشان و عدالت اجتماعی نمود - به جای اینکه به اشتباهات و انحرافات توجه نمایند - به

انسانی ترین اصول و اهداف با شک و تردید نظر انداختند. «نهضت آینده» با برافراشتن درفش مبارزات دادخواهانه سکوت را شکستاند و شجاعانه از اصول اساسی و حقانیت مبارزات دادخواهانه به خاطر تأمین حقوق زحمتکشان کشور و استقرار عدالت اجتماعی دفاع نمود، حوادث چند دهه اخیر را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد که در نتیجه اشتباهات و انحرافات در جنبش چپ، شیوه های دنباله روی کورکورانه، نسخه یی و عملکردهای کلیشه یی نا سالم و غیر مشر تلقی گردید. بغرنجی پیروسة تکامل اجتماعی، تفاوتها در ساختار اقتصادی-اجتماعی جوامع بشری و سایر ممیزات حکم میکنند تا شیوه های خلاق را در جریان مبارزات به کار برد تا از دکماتیزم و ساده نگری های اجتماعی فاصله گرفته شود. چنین بینش و ساختار اندیشه یی امکان آن را میسر گردانید تا طرح مراننامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» تدوین گردد. در این سند تاریخی خطوط اساسی و کلی وظایف جنبش چپ کشور برجسته شده و تحلیل علمی و همه جانبه از اوضاع کنونی داخلی و بین المللی به عمل آمده است.

نماینده گان گرامی، اشتراک شما در کنفرانس حاضر دارای اهمیت تاریخی میباشد. مسؤولیت هریک از شما به خاطر سمت دهی جنبش چپ کشور با کیفیت نوین بی نهایت سنگین است. فیصله ها و تدابیری را که شما اتخاذ خواهید کرد، رهنمود و رهنمای دوستداران صلح و آزادی و عدالت اجتماعی خواهد بود. دوستان گرامی،

در تمامیم اتخاذ شده همیشه در نظر داشته باشید که از دوستی آنها در برابر خلق کشور با سربلندی و شجاعت دفاع نمایید.

در خاتمه پشتیبانی کامل خود را از کنفرانس سراسری «نهضت آینده» اعلام کرده و موفقیت هریک را در کار کنفرانس آرزو میکنم.

دستان همه گی را به گرمی میفشارم
جنوری ۲۰۰۵، ایالت ویرجینیا - ایالات متحده آمریکا

پیام احمد فهیم معروفی به کنفرانس

دوست گرامی داکتر سالم سپارتک، مدیر مسؤول نشریه «آینده»! از برگزاری جلسه دارالانشای «نهضت آینده» و تدارک کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»، از طریق نشریه وزین «آینده» اطلاع یافتم. پیروزی تان را به خاطر گذار از اندیشه «ذهنیت» به سازمان «ذهنیت متشکل و ذهنیت عینی شده در وجود یک اراده دسته جمعی سیاسی» از عمق احساس آرزو میدارم. امیدواریم که این «اراده دسته جمعی سیاسی» در آینده رهگشا و ناجی مردم بلا کشیده کشور عزیز ما افغانستان گردد.

با عرض حرمت رفیقانه

رفیق ارجمند داکتر سپارتک، مدیر مسؤول نشریه «آینده»! رفقای ارجمند و یاران و همسنگران دیرینه و وفادار با آرمان والای کارگران و زحمتکشان تهی دست و برهنه پای افغانستان و اصیل ترین فرزندان و مبتکران این گردهمایی سرنوشت ساز تاریخی که مصمم ترین و آگاه ترین رفقا را غرض نیل به هدف شریفانه با هم متحد و یک پارچه ساخته و در تحت این چتر به غرض بحث آزاد با هم گرد آورده اید، از صمیم قلب شادباش گفته سپاس رفیقانه را به جا می آورم.

به همه شما معلوم است که رهروان آزادی و دموکراسی و پیشرو ترین عناصر آگاه و چیز فهم کشور در شرایط خیلی دشوار و ناگوار به تشکل و بنیادگذاری حزب چپ تحت نام «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» اقدام نموده و آن را ایجاد و تاسیس نمودند. و با قبول زحمات فراوان توانستند عده زیادی از روشنفکران آگاه و منور جامعه را به پیشواز این خیزش شجاعانه عقب خویش بکشانند. من خوب به یاد دارم که در سال ۱۳۴۲، زمانی که داوطلبانه به عضویت ج.د.خ.ا. پذیرفته شدم، از آن به بعد در راه نیل به آرمان های والای تان از خویش هیچ کمی و کاستی را به خرج نداده، شب و روزها به تهیه و تدارک مقالات، نشریات، دستنویسی، پولی کاپی آثار مترقی، توزیع نشریات و تک فروشی جراید و تدویر جلسات حزبی، گردهمایی ها... مبادرت می ورزیدیم. و هر رفیق حزبی و به خصوص هر عضو کمیته مرکزی و رهبری حزب را نور چشم خویش میدانستیم و به آنها احترام به جا می آوردیم و به تمام رسوم و عادات حزبی و افغانی آنها را به دیده قدر مینگریستیم و باور تری داشتیم که آنها رفقای نیمه راه نخواهند بود و کشتی ما را در طوفان ها رها نخواهند کرد. ولی تاریخ دگر تحمل کج روی ها و پنهان کاری ها را نتوانست ادامه بدهد، کج روی های عده یی از همچو اشخاص را پرملا ساخت. گروهی از این رهروان جنبش و ترقی به اصطلاح تنها گلیم خویش را از آب کشیدند. مگر کشتی بی بادبان وطن و مردم وطن را به طوفان سیلاب خون رها کردند. و عده دیگر شان به سرنازگیری از باقیمانده های چپ دپروزی، سازمانها، حزب ها و گروه های گوناگون را سازمان دادند و راه ایتلاف و آشتی و جور آمد را با سیاهترین و پندام ترین و ارتجاعی ترین عناصر و اشخاص که سالها در تحت سیطره آی. اس. آی. پاکستان دستور ویرانی کابل و افغانستان را میگرفتند، در پیش گرفتند. و آن شهدای گلگون کفن و راه آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی را که در دشوارترین مراحل و لحظات تاریخ اواخر حزبی را به جا می آوردند، یکسره از یاد کشیدند و دگر از آنها کسی یاد ی نکرد.

رفقا، من از شما رهروان جنبش چپ کنونی که امروز در این تالار حضور باهم رسانیده اید، تقاضا به عمل می آورم که به خاطر یادی از آن شهدای حزبی و حماسه ساز یک لحظه به یا خیزید و سو قظیم فوو آورید. همه شما باید به خاطر داشته باشید که از همین آغاز در کار و زار مبارزه صادق و راست بوده از هرنوع کجروی، بیماری و فرسکسیون بازی بیرهیزید و نگذارید که همچو دگرها بدنام تاریخ گردیم. هرچه دارید و

یا هرچه که در مفکوره تان موجود است، بی هراس در همین کنفرانس به جر و بحث آن اقدام نمایید، هیچ ابهام، تاریکی، شک، دودلی، دنباله روی و نادانسته گی را در خود جا ندهید و در مورد همه قضایا و موضوعات آگاهی تام به دست آورید. زیرا شما چپی های دپروزی نیستید. چنانچه رفیق نایبی در جلسه دارالانشای نهضت چنین خاطر نشان ساختند:

«چپ دپروزی افغانی آمیزه یی بود از دموکراتیزم، هومانیزم، اکونومیسم، ناسیونالیسم، سنت گواپی، توابیلیزم... اما چپی را که ما مطرح کرده ایم، چپ نقاد، رادیکال است. یعنی جامعه را در کلیت آن (هم زیواسختی و هم روساختی) مورد سوال قرار میدهد و راههای درست آن را نشان میدهد.»

رفقا، با در نظر داشت تذکرات فوق یاد آور میجوم که در این کنفرانس که منظور از تدویر آن ایجاد «شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان» است، از میان خود آگاه ترین و مصمم ترین و وفادار ترین رفقا را بگمارید تا با فهم در دست داشته اش تمام امور را موشکافی کرده و از عهده آن بدر شده بتوانند.

در فرجام یاد آور می شوم که اینجانب همانطوریکه در طول (۴۰) سال حیات حزبی تسلیم هیچ فرسکسیون باز، زورمند، کج رو و بیمار نشدم و در راه آرمانهای مردم زحمتکش افغانستان با پرچم در دست داشته استوار طی طریق کردم، امید را از دست نداده و به جا خواهد بود که از شما رفقا و همسنگران سپاس نمایم که در شرایط ناگوار و مشتت فعلی که هزار ها رفیق سرگردان و در پی یافتن راه درست در ستیز اند، شما شمع روشن را جلو راه ما قرار دادید. با استفاده از این تریبون از همه نیروهای چپ سالم چپ دپروزی که سالها باهم در پی تحقق آرمانهای والای زحمتکشان افغانستان می رزمیدیم، دعوت به عمل می آورم تا صفوف خویش را هرچه فشرده تر نموده در تحت درفش آینده و آینده ساز باز هم متحد گردیده و با متانت و شجاعت و مردانه گی و عقل سلیم تا آخرین رمق حیات رزمیده، راه را برای آینده گان و نسل های بعدی هموار و روشن ساخته عمر متباتی خویش را با همه افتخارات گذشته در دست داشته تان مردانه وار سپری نموده به پیش ببرید و مطمئن باشید که دشمنان مردم زحمتکش افغانستان با هر نوع تغییر لباس و قیافه بالای شما اعتماد نخواهند کرد و خویشن را مسخره تاریخ نسازید.

من یک بار دیگر با تمام نیرو و توان عقلی و جسمانی خویش تعهد می سپارم که در راه رسیدن به آرمانهای شریفانه شما با شما یکجا رزمیده و پرچم آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی و صلح و صفا را با شما یکجا بلند و استوار نگاه میدارم.

به پیش به سوی افق های تابناک و روشن آینده!
به پیش به پیشواز تاسیس و ایجاد «حزب مردم افغانستان»!

با احترام، مهرم تان، پوهندوی دکتور سید حسام (هل)
(تبصره: رفیق حسام هل در کنفرانس شرکت ورزیدند)

نشردۀ سخنرانی عزیز هدایت در کنفرانس

رفقای عزیز و گرامی،

اجازه دهید نخست از همه تدویر این کنفرانس بزرگ و پرشکوه «نهضت آینده افغانستان» را برای همه دوستان و شما عزیزان صمیمانه مبارکباد گویم. آرزومندم تا این کنفرانس وسیع، سرآغاز فصل نویسی در حیات سیاسی کشور ویران ما باشد. ما بعد از انتظار طولانی و سالها سرگردانی و بی سرنوشتی، حال به لحظاتی دست می یابیم و به جریانی می پیوندیم که در آن آینده سازان روند سیاست انتقالی و دگرگون ساز کشور ستمدیده مان، افغانستان عزیز، دست اندر کار بنیان گذاری بنای کاملاً جدیدی میباشند بر تهداب نخستین ویرانه های حسرتبار ح.خ.ا. (حزب وطن) که متأسفانه امروز شیرازه دیروزی آن به صورت قطع و کلی فروپاشیده است.

رفقا،

بعد از سقوط دولت جمهوری افغانستان در سال ۱۹۹۲ بحران عمیق نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سراسر جامعه ما را فرا گرفت. علی الرغم میل و اراده نیروهای مترقی پدیدۀ شوم عقبگرایی، بنیادگرایی، تفنگ سلازی و ملیت گرایی، ظلم و ستم، بیعدالتی، توهین، تحقیر، آزار و اذیت به شیوه های مختلف به عملکرد روزمره فوندمنتالیست ها و قوماندانان زورگوی به اصطلاح مجاهدین و اربابان خارجی آنها تبدیل شد و نظام قانون به نظام جنگل جا خالی نمود. مردم کشور ما از یک دولت قانونی و مرکزی محروم شدند.

فراموش نشود که سرکوب نهضت های ملی و مترقی در طول تاریخ آرزوی دیرینه دشمنان قسم خورده وطن ما بوده است. ارتجاع داخلی یکجا باهم گیشان منطبقه بی شان هرگز تحمل یک افغانستان دموکراتیک و مترقی و پیشرفته را نداشتند و ندارند که ده سال اخیر حیات سیاسی کشور ما گواه زنده این ادعا بوده است.

تجارب تلخ گذشته و به خصوص دهه اخیر دروسهای آموزنده و سازنده بی برای نیروهای چپ و دموکراتیک و در مجموع تشر روشنفکر در قبال کاستی های گذشته با خود دارد. جاه طلبی روشنفکری، کوتاه نظری، رقابت های غیرمشروع و جناحی سبب گردید که صفوف نیروهای مترقی ازم بیاشد و نتواند چون دژ استواری در برابر ارتجاع داخلی و خارجی و بنیادگرایی افراطی مقاومت نموده و سد محکمی را در مقابل آنها ایجاد نماید. با صراحت کامل باید اعتراف کرد که ما نتوانستیم از میراث مبارزات گذشته و این امانت تاریخی یا شایسته گی حفاظت نموده و دفاع نماییم. سهل انگاری و غفلت سیاسی نیروهای چپی در گذشته فرصت داد تا بنیادگرایان و عقب گرایان بالای اوضاع تسلط کامل یافته، روند پیشرفت، ترقی و دموکراسی واقعی را موقتاً متوقف سازند.

اما حال جای بسا مسرت است که در نتیجه دقت و درایت سیاسی و عمدتاً درس

از تجارب گذشته های ح.خ.ا. (حزب وطن) و سایر نیروهای چپ و دموکراتیک، اعضای جوان و آگاه و خوشنام حزب که همه ما از آنها شناخت دقیق داریم، با هسته گذاری «نهضت آینده» و چاپ نشریه وزین «آینده» رسالت تاریخی خود را انجام میدهند. ما از روای تحلیلهای منتشره در «آینده» از دستاوردهای مثبت و نوین اندیشه بی چپ معاصر، سلاح خلاق و نقاد جهانی علمی و تجارب جهانی بهره مند شدیم و میشویم.

کنفرانس امروزی «نهضت آینده افغانستان» که در نتیجه تفاهم، مذاکرات، گفت و شنودهای سالم چندین ساله در فضایی مملو از اعتماد و صداقت رفیقانه تدویر یافته است، گام نهایت بزرگ حیاتی و تاریخی در جهت ایجاد همبسته گی و اتفاق نیروهای ح.خ.ا. (حزب وطن) و سایر نیروهای چپ و دموکراتیک به حساب می آید. این دستاورد عظیم که از کمیت و کیفیت قابل ملاحظه و در خور توجه برخوردار است، روزنه امید نوین و خوش بینی عینی را در سمت استقرار و تحکیم پایه های سیاسی قوتهای چپ و دموکراتیک به وجود آورده است. مسلماً مسؤولیت بزرگ به عهده فرد، فرد ما گذاشته شده است تا نیروهای پیشرونده و ترقیخواه را به دور این آرمان بزرگ متشکل ساخته و در روند تغییرات سیاسی و اجتماعی در سطح عالی و شایسته سهم بزرگ تر و مسؤولانه تری احراز داریم.

بدون شک تا کنون خلاها، کمبودی ها و ضعف های سیاسی در صفوف بازمانده های چپ دیروزی کاملاً مرفوع نگردیده است. اما یقین داریم که با گذشت هر روز تأمین روابط نزدیک و ادامه مذاکرات مفید و سازنده و ایجاد فضای اعتماد و صمیمیت با هم، ما را بیشتر نزدیک خواهد ساخت تا بتوانیم با یک زبان مشترک در برابر مخالفین و دشمنان مشترک مان کار و مبارزه عادلانه و مسالمت آمیز خویش را ادامه دهیم. بگذار کسانی که آرمانی به جز خدمت به وطن و مردم آن ندارند، آگاه تر و بیدارتر از گذشته گردند و کاروان سعادت و خوشبختی را دنبال نمایند. باید تلاش همه جانبه صورت گیرد تا همه روشنفکران چیز فهم کشور و رفقای صاحب اندیشه و معتقد به جهانی علمی در آن جای شایسته بی را احراز نمایند.

رفقای گرامی!

تجارب تلخ گذشته حزب ما می آموزاند که ما در صورتی به ثمر بخشی «نهضت آینده» و پیروزی اهداف شریفانه و مردمی آن در نجات نیروهای کار و طبقات محروم و زحمتکش وطن عزیز خویش نایل آمده میتوانیم که با آنچه در گذشته اسباب ناکامی و سرافکنده گی حزب ما را فراهم آورده بود، از ریشه وداع کنیم. جهان نو اندیشه های نو به بار آورده، گفتمان نو و کردار نو را نیز به بار می آورد، چنانچه کنفرانس کنونی ما گواه زنده آن است.

من تدویر کنفرانس امروزی را که گام بلندبست در این روند و رویدادست تاریخی و آینده ساز، به تمام رفقا و دوستان ارجمند که در این مرحله تاریخی و حساس دست به

کار سازنده گی آن بوده اند، صمیمانه مبارکباد میگویم. طرح استراتژی و تاکتیک «حزب مردم افغانستان»، یعنی مرانامه و اساسنامه و نشر و توضیح و نظر خواهی در باره آن در جریده وزین «آینده» بدون شک برآیند کار خلاق و نقادبست که در این مرحله از تاریخ کشور مان صورت گرفته است. من به صورت گل آن را تأیید میکنم و حاضرم در راه تحقق آن تا پای جان هم مانند هزاران شهید گلگون کفن این راه انسانی و شرافت بگوشم و از هیچ گونه بذل مساعی مادی و معنوی در این راه دریغ و متناهیة نکند.

از حوصله مندی رفقا یک جهان سپاس

نشردۀ پیام حمید بونفا به کنفرانس

رفیق گرانقدر سپارتنک، مدیر مسؤول نشریه «آینده»!

پیام من به کنفرانس سراسری «آینده» اینست که از همه رفقا خواهش دارم که در بیانیه ها و پیامهای خود و همچنان در اتخاذ تصمیم، اصل مهم «وفاق و اتحاد و یک پارچه گی» نیروهای چپ واقعی را مد نظر داشته باشند و از آنچه سبب نفاق و رنجش نیروهای چپ میشود، بپرهیزند.

من از همان آوانیکه به «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» پیوستم، اظهار داشته بودم که چون حزب به خاطر رهایی زحمتکشان کشور از رنجهای یکران مبارزه میکند و خواهان رفاه، پیشرفت و آبادی و آزادی مردم افغانستان است، من با این حزب هستم. برای من اهداف دادخواهانه حزب مهم است، نه نام آن که ح.خ.ا. یا حزب وطن بود و حالا هر نام جدیدی را که شما برای حزب دادخواه و عدالت پسند جدید انتخاب میکنید، از جانب من قبول است.

و من طرفدار پخش و اشاعه نشریه «آینده» و دیگر نشریات مترقی و حتی برگزاری کنفرانسها، کنگره ها و امثال هم در داخل کشور بودم و هستم، زیرا گردهمایی ها به آن تناسبی که در درون کشور پریار و پرشمر اند، در خارج کشور نمی باشند.

من همواره سعی کرده ام دروغ نگویم و حتی المقدور راستگو باشم. این راست گویی هم آنچنان که من «لق و پق» میگویم، سبب آورده خاطر شدن برخی از رفقا و دوستان میگردد، زیرا:

« زمانه کجروشان را به بر کشد بیدل

هر آنکه راست بود، خار چشم اغیار است»

مثلاً من میگویم که آوردن مجاهدین، اسامه بن لادن و طالبان از جانب مثلث انگلیسی- امریکایی - اسرائیلی بوده است و برای تجاوز در عراق بهانه داشتن سلاحهای کشتار جمعی، یک ادعای جعلی و دروغ بوده است و تجاوز و حمله به افغانستان هم به بهانه موجودیت القاعده و طالبان که به فرمان همان مثلث آورده شده بودند، غیر موجه است و همچنان حمله به کوسوو و حمایت از چین به خاطر دفاع از مسلمانان نبوده، بلکه همه و همه به خاطر چپاول نفت و گاز است و اسناد فراوان هم در این زمینه موجود است؛ بسیاری ها پرافرخته میشوند و کم می ماند که مرا لت و کوب کنند.

موضوع دوم: اگر بگوییم که نهضت فراگیر ملی ساخته میشود یا «حزب مردم افغانستان» عنقریب کنگره خود را دایر میکند، فوراً می پرسند که در راس آنها کی ها قرار دارند و هیچگاهی نمی پرسند که مرام شان چیست و چه نفعی برای مردم دارد. فقط و فقط نامها را می پرسند تا بتوانند بر پیشانی آنها بوچسپ ها بزنند، ناروا بگویند و دلایل پر از سفسطه و مملو از کذب و هزاران دو و دشنام به رهبران آنها تشار کنند. من هیچگاهی دنباله رو این یا آن شخصی نبودم و نیستم و همیشه احترام بزرگان حزب دادخواه خود را دارم و خواهم داشت. آنچه از آنها آموخته ام، سپاسگزارم. و اما به دنبال مرام سالم آنها با جرأت و صداقتانه میروم و از رفقا هم همین را میخواهم و بس.

برای دفع تبلیغات ناحق، لطفاً نامه های هسته رهبری سازمان قان را به نشر بسپارید که ماشین دروغ سازی رقیبان از کار بیفتد.

دروهای گرم مرا بپذیرید!

پیروزی کار کنفرانس آرزوی من است!

پیام دکتر سید احمد به کنفرانس

همرزمان ارجمند،

اشتراک کننده اجلاس سراسری «نهضت آینده افغانستان»!

اجازه دهید تا عمیقترین تیریکات قلبی خویش را به مناسبت تدویر کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»، این سازمان دوران ساز مردم افغانستان و این پرچمدار راستین نهضت آزادیبخش خلق ستمدیده و زحمتکش کشور محبوب مان افغانستان ابراز نموده و پیروزیهای شما رزمندگان صدیق راه دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی را از صمیم قلب خویش آرزو کنم.

با عرض حرمت رفیقانه

موفق و سریلند باشید!

نشرده سخنرانی طارق پیکار دز کنفرانس

کدام منافع، ملی یا طبقاتی؟

به اجازه رفقای محترم، اشتراک کننده گان کنفرانس باشکوه سراسری «نهضت آینده افغانستان»، نوشته هدا تحت عنوان «کدام منافع، ملی یا طبقاتی؟» ترتیب گردیده و خدمت شما قرائت میگردد.

مطالعه و بررسی انتقادی تاریخ مبارزات طبقاتی جهت درک علل و انگیزه های تحولات واپسگراییانه و ارتجاعی در مقیاس جهانی، برای مبارزان راه رهایی انسان زحمتکش از جنگ استثمار و استبداد، از اهمیت بزرگی برخوردار است. چنین بررسی ما را یاری میرساند تا جلو تبلیغات امپریالیزم را علیه جهانی بینی پیشرو عصر ما (مارکسیزم نقاد) بگیریم، تبلیغاتی که با دستاویز ساختن تجربه های صنفی و ناکام «سوسیالیزم دولتی» (یا به قولی دیگر «سوسیال سرمایه داری دولتی») «سوسیالیزم را یک امر ناممکن و کمونیزم را تخیلی بی بنیاد» وانمود می سازد.

بر بنیاد چنین بررسی و کاربرد نقاد جهانی بینی علمی، میشود انحرافات و اشتباهات سیاسی، برنامه یی، سازمانی و ایدیولوژیک «سوسیال سرمایه داری دولتی» را افشاء نمود.

تکوین آگاهی سیاسی-طبقاتی یک مسأله صرفاً تیوریک نیست که تنها تیورسین ها و دانشمندان می توانند به آن دسترسی حاصل نمایند، بلکه اساساً و پیش از هر چیز مسأله عملی یا پراتیک اجتماعیت است که از طریق مبارزه مستمر علیه تمام مظلالم طبقاتی و به خصوص نظام سرمایه داری به دست می آید. دانش پیشرو و انقلابی عصر، خود تیز محصول پراتیک میباشد.

پس با داشتن چنین استدلال و با تحلیل نقادانه و علمی ویژه گی ها و تفاوت های مناسبات و شرایط عینی و خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف است که میشود روند انسجام و سازماندهی هسته های در حال تکوین جنبش چپ بنیادی را از کژروی های فاجعه آفرین نجات داد.

از جانبی در مقیاس جهان امروز، متمرکز شدن سرمایه در کنسرن های چند ملتی و یورش بی سابقه و تجاوزکارانه آنها بالای هستی مادی و معنوی خلق های زحمتکش جهان، به مبارزان و نهادهای جنبش چپ این امکان را مساعد ساخته تا آن را به مثابه یکی از زمینه های معاصر اجتماعی در جهت رشد و تعمیق آگاهی سیاسی-طبقاتی و کاربرد شیوه های نوین و بسیج و سازماندهی مبارزان واقعی، شامل «پروژه طولانی و قانونمند دگرگونی های بنیادی اجتماعی» بسازند.

سرمایه داری طی تاریخ تکامل خود، به ویژه در دوران حاضر مراحل انحطاط خویش را که دربرگیرنده بحرانهای متعدد میباشد، سپری مینماید. درجه رشد و تکامل جوامع سرمایه داری متناسب با اوجگیری تضادهایش بوده، یعنی هر دو به حد اکثر و درجات نهایی خود رسیده اند.

جهان معاصر سرمایه داری را، امروز بیشتر از هر زمان دیگر بحران «اضافه تولید مطلق سرمایه» که زاینده آن «تورم و رکود» سرمایه میباشد، تهدید مینماید که این خود یکی از واقعت های عینی، انکارناپذیر و هم علاج ناپذیر عصر بوده، جهان سرمایه و به خصوص کشورهای بزرگ امپریالیستی را به پرابلم های حیاتی مواجه ساخت است.

دکترین نظام سرمایه داری جهت تقلیل بحرانهای دامنگیر در جوامع متروپول و به خاطر بیرون رفت از آن تاکتیکیها و شیوه هایی را اختیار نموده اند که نتیجه و دستاورد آن جز بحرانی ساختن تمام جهان در اشکال ایجاد و توسعه فاشیزم، نروریزم، دیکتاتوری لجام گسیخته، تبعیض نژادی، جنگهای تباہ کن داخلی در کشورهای پیرامونی و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی چیز دیگری نیباشد.

در دوران کنونی «استعمار امپریالیستی» جهت گریز از بحرانهای ذاتی اش از یکسو و تاراج هستی مادی و معنوی بشریت از سوی دیگر، شکل «پامالون» را در وجود بنیادهایی مانند «بانک جهانی»، «صندوق بین المللی پول»، «سازمان جهانی تجارت» و . . . به خود گرفته است.

«استعمار پسامدرن» جز در مفاهیمی چون جهانی کردن فقر، فلاکت، بحران و هم «قتل عام اقتصادی» باشندگان کشورهای اطراف سرمایه در چیز دیگری نمی گنجد. نمونه های تاریخی «تحولاتی» که مبارزه طبقاتی در جهان شاهد آن بوده، گواه آنست که استعمار و امپریالیزم در داخل مناطق و کشورهایی که آن را اشغال مینمایند، به اقتضای و نیازهای معامله گر و ارتجاعی که حیثیت دلالت سرنوشت خلقهای ستمکش را دارند، ضرورت داشته و متکی به آنها و از طریق آنها شعارهای تحمیق کننده و برنامه های استعماری خود را تطبیق می نمایند.

نهادهای ارتجاعی که در جوامع اطراف سرمایه به اشکال و نامهای گوناگون ایجاد میگرددند، صرف وظیفه اساسی حفظ منافع تاریخی طبقاتی ستمگران را عهده دار میباشد.

کاربرد مفاهیمی چون حفظ منافع ملی، دموکراسی و . . . در برنامه های از قبل تدوین شده از جانب آنها و با داران شان صرف جهت اغوای باشندگان تحت ستم آن سرزمین ها و تأمین منافع «اقتصادی-سیاسی و بالاخره طبقاتی» دولتهای استعماری امپریالیستی و اقلیت حاکم ارتجاعی در داخل میباشد.

منافع ملی یک کشور منحیث یک مفهوم کلی مجموعه یی از عناصریست که مهمترین احتیاجات حیاتی کشور را تشکیل میدهد و این عناصر عبارت اند از: حفظ موجودیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، امنیت نظامی، حاکمیت ملی، رفاه همه گانی و استقلال اقتصادی. با تأسف و واضحاً باید گفت که تأمین منافع مذکور در شرایط کنونی در کشور های تحت نفوذ و سلطه سرمایه داری جهانی که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم بار کهنه «استعمار پسامدرن» و سایر اشکال خشن استعمار را حمل مینمایند، با منافع امپریالیزم کاملاً در مغایرت و تضاد قرار می گیرد و این خود یکی از مشخصات روشن نظامهای سیاسی است که تحت شعاع نظم نوین جهانی ایجاد می گردند که از لحاظ ساختاری و رفتاری کاملاً تأثیر پذیر و بیان کننده واضح «منافع ملی»، استراتژی و اهداف شوم امپریالیزم می باشند، نه منافع

ملی کشورهای شان. همچنان نهادها و گروه های ارتجاعی منحیث شناگزیان و توجیه گران نظام سرمایه داری موظف اند تا بر ضد روند انسجام و تشکیل هسته ها و نهادهای واقعی که جهت از سرگیری یی تشدید مبارزه طبقات زحمتکش سر بلند می نمایند، وسایل سرکوب، فشار و خفه کردن نیروهای انقلابی و متحدین ارتجاعی آن فراهم سازند، یکه تاز شدن امپریالیزم را پایان تاریخ و شکست جهانی بینی علمی زحمتکشان (مارکسیزم) اعلان نمایند.

آنان اند که «منافع ملی» کشورهای شان را فدای منافع «سرمایه فراملتی»، شرکت های غارتگر خصوصی و استعمار جهانی ساخته نقش شان را منحیث نهادها و سازمانهای روساختی سیاسی، نظام اقتصادی سرمایه و ارتجاع هفت سر متحد آن، جهت طولانی ساختن مرحله ستم، فقر جهانی و «بربریت مدرن» به راحتی ایفا می نمایند.

رفقای گرامی،
کلیه جوامع موجود در جهان امروزی، جوامع طبقاتی هستند و دارنده گان وسایل تولید در جوامع مذکور از آگاهی طبقاتی انسان زحمتکش همیشه در هراس اند و با تمام نیرو تلاش میورزند تا شیوه تفکر، فرهنگ، عادات و رسوم خود را (که ارزشهای طبقات حاکم) میباشند، به استثمار شونده گان ترویج و تحمیل نمایند.

بنابراین روند انسجام و «تشکل اندیشه یی-سازمانی» در شرایط کنونی یکی از تأخیر ناپذیر ترین وظایف نهادهای چپ بنیادی را در جهت از سرگیری مبارزه سیاسی و دگرگونی بنیادی مناسبات اجتماعی که واضحاً بینش طبقاتی از مسایل اجتماعی را در آغوش داشته و مسأله مالکیت بر وسایل تولید را منحیث بنیادی ترین مسأله اقتصادی در تمام فورماسیونهای اجتماعی-اقتصادی مطرح می کند، تشکیل میدهد. بالاخره «پروژه انسجام و تشکل» در شرایط امروزی ارزشمند ترین اقدام بوده و به اساس آن میشود روند تاریخی گذار از جامعه طبقاتی به جامعه بدون طبقات را از طریق اشاعه آگاهی طبقاتی و مبارزه طبقاتی به شکل علمی-نقاد و سازمان یافته آن تکوین بخشید.

بدین اساس میتوان در مقیاس کشور ما به این نتیجه رسید که برای نیروها، نهاد ها، سازمانها و شخصیت هایی که، چه در داخل کشور تحت سلطه امپریالیزم و یا به عبارتی دیگر (کشورهای پیرامونی) و یا خارج از آن زنده گی میکنند و مدعی اند که منحیث مبارزان و هسته هایی که «منافع ملی» و مردم شان را دوست دارند، صرف «دو راه» بیشتر چیزی و راهی وجود نخواهد داشت:

۱- یا خود را با واقعت های جدید در عرصه مبارزه سیاسی-طبقاتی، یعنی تغییرات کیفی در سیاستها، تنابیر و عملکردهای اجتماعی به منظور انسجام و سازماندهی نیروهای انقلابی زحمتکشان در مقیاس جهانی مطابقت دهند،

۲- یا منحیث نیروهای سست عنصر و تسلیم طلب و . . . در تصورات و تخیلات «ارتجاعی، ناسیونالیستی، فرقه یی، قبیله یی، مذهبی و . . .» خود محبوس مانده، به کلی از نیازهای مبارزه طبقاتی در عصر حاضر به دور افتاده، در نهایت امر تبدیل به پدیده یی بیگانه با تحولات و واقعت های زنده دوران می گردند.
در مقیاس کشور ما:

راه اول: راهیست که مبارزان پیشتاز و واقعی جنبش چپ بنیادی در وجود «نهضت آینده افغانستان» برگزیده اند و چگونه گی رسیدن به آن را با ارایه طرحهای به موقع فرماننامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان»، جهت بسیج عناصر انقلابی و پیشرو وضاحت و شفافیت بخشیده اند.

راه دوم: راه کسانیسست که همانند «نهضت میهنی» و دیگر سازمانواره های منحرف وابسته به د.خ.ا. در خدمت پروژه های استعمار امپریالیستی قرار میگیرند و به مجرد به انجام رسیدن وظیفه و یا تکمیل شدن نقش شان، مانند سایر مهره ها و پدیده های قبلی ارتجاعی مهر و تاپه بدنامی تاریخی بر جبین گرفته، روانه زباله دان تاریخ میگردند.

آنان صرف یک دستاورد تاریخی خواهند داشت و آن عبارت می باشد از: معامله سیاسی جهت فدا نمودن «منافع ملی و طبقاتی» به نفع امپریالیزم جهانی و طبقات ستمگر تاریخ.

رفقای همزرم،
تاریخ سیاسی و اجتماعی جامعه امپریالیستی مملو از مقاومت و مبارزه طبقاتی نیروهای مترقی برای تحقق جامعه آزاد است، امریکه گرایش نیروهای مولد و شرایط مادی جامعه بورژوازی آن را طلب میکنند.

از جانبی امروز انقلاب اجتماعی استوار بر اصل مبارزه سیاسی طبقاتی در اشکال متنوع خود در دستور کار نهاد های چپ بنیادی قرار گرفته و راه دیگری برای بشریت وجود ندارد.

چنانچه تکامل تضادها، بحرانها و تنگناهای ذاتی نظام سرمایه داری، این نظام را در چنان شرایطی قرار داده است که دیگر هیچ امکانی برای پنهان کردن خصلت ارتجاعی و درنده خوئی آن باقی نمانده است.

در اخیر ما بار دیگر تکرار می کنیم: هیچ جنبش انقلابی بدون کسب آگاهی طبقاتی «نقاد» نسبت به ساختارها و دینامیزمی که سرمایه داری دوران ما را شکل و آرایش می دهند، نمی تواند با امپریالیزم و دستگاه های ارتجاعی وابسته به آن مبارزه عملی نموده، نظام جهانی سرمایه داری را به مصادف تاریخی بکشد و راه را به سوی جامعه فارغ از استثمار باز کند.

از توجه رفیقانه تان ابراز سپاس می نمایم.

نشرده سخنرانی اسد همدرد در کنفرانس

رفقای عزیز ،

درودهای من و مجموع رفقای فدراسیون آلمان ، این آرزومندان پر درخشش در راه تحقق آرمانهای بزرگ انسانی را که بدون شک نماینده گان راستین و مبارزان پیشتاز اردوی زحمتکش افغانستان اند ، بپذیرید.

رفقا ،

با ارایه طرحهای مرامنامه و اساسنامه حزب جدید ، مبارزه ما وارد مرحله جدید تکامل خود شد و گذار از نهضت به حزب تنها یک گذار ساده شکلی نیست ، بل از نگاه دورنمای تاریخی این جنبش را در آستانه چشم اندازهای عملی رسالتها و وظایف گسترده قرار داده و در حال حاضر ما از هر لحاظ به آن سطحی رسیده ایم که نهضت ما اساسگذاری یک حزب چپ نیرومند را پیش گرفته و یک حزب واقعی چپ بنیادی برای مردم افغانستان است. حزب با داشتن خصوصیات برجسته میتواند توانایی شرکت مستقیم در مبارزه طبقاتی جایگاه شایسته و بنیادی خود را به دست آورد. ایجاد و بنیاد گذاری یک حزب چپ نیرومند و قوی برای مردم افغانستان کدام اقدام تصادفی نبوده ، بلکه این یک ضرورت زمان و تاریخ است.

طرح مرامنامه و اساسنامه حزب جدید ، بیانگر اصول اساسی مبارزه عادلانه زحمتکش با مرامنامه و اساننامه حزب جدید ، استقرار دموکراسی واقعی میباشد. این سند به وضاحت موضعگیری چپ جنبش تازه بنیاد را که نیاز زمان و ضرورت ایجاد آن بود ، نشان میدهد. جای خوشی است که روشنفکران با درک جامعه ما ، معامله گریها را افساء میکنند و به صراحت بیان میدارند که ظلم ، استبداد و بهره کشی از انسان زحمتکش در جامعه ما و در سراسر جهان تغییر نکرده اند و با شیوه های نو و تازه با بیرحمانه ترین شکل آن ادامه دارد و تضادهای طبقاتی هنوز هم بین طبقات حاکم و محکوم وجود دارد و هیچ معجزه یی در وطن محبوب ما و در جهان تا هنوز صورت نگرفته که بهره کشی را از انسان زحمتکش رفع کرده باشد.

دیدگاههای همه شما در مورد ضرورت ایجاد یک حزب چپ و مدافع انسان زحمتکش که یک ضرورت عصر است ، قابل درک و احترام است. «نهضت آینده» با همین برداشت تیوریک از حزب با در نظر داشت وضعیت کنونی جامعه افغانی مرامنامه و اساسنامه را در پیوست با آرمانهای آغازین ح.د.خ.ا. و دیگر سازمانهای مترقی کشور مطرح کرد. ما در وضعیت امروزی وظیفه داریم تا حزب متعلق به زحمتکش را از تشکیل پیشتازترین و آگاه ترین نماینده گان که خلق افغانستان در عصر تاریخ معاصر متبازر ساخته است ، به وجود آوریم و آن را غنی بشیم ، نیرومند سازیم و علیه قدرت های اشغالگر مبارزه کنیم تا انسان زحمتکش از چنگ و پاشنه فولادین امپریالیزم رهایی یابد.

رفقا ،

در مرحله کنونی جنبش دست به گسترش ارگان مرکزی و ایجاد حزب میزند. دورنمای تکامل آن در وجود «حزب مردم افغانستان» ترسیم شده است. مسأله جدی آن است که ماهیت تاریخی ، اجتماعی و طبقاتی حزب هنوز هم جدی و همه جانبه درک نشده است. باید عینیت امروزی افغانی و جهان را مورد بررسی قرار داد و دیگر نباید دنبال تقسیم بندی های متعلق به دنیای دیروز رفت. در مقیاس جهانی انکشاف سرمایه داری روندهای اقتصادی و سیاسی را فراگرفته است.

رفقا ،

بدون کوچکترین تردید میتوان گفت که حزب چپ بنیادی به وجود می آید ؛ حزبی که به حیث گرهبگاه طبقه کارگر و زحمتکش افغانستان با سیاست و آگاهی اجتماعی عمل خواهد کرد ، طبقه زحمتکش و وظایف بزرگ دگرگونی تاریخ را به نفع انسان زحمتکش رهنمایی خواهد کرد ، تمثیل گر منافع خلق در همه عرصه ها خواهد بود و علیه همه تا به سامانی های آیدیلوژی ارتجاعی مبارزه خواهد کرد.

امروز افغانستان جز نظام جهانی سرمایه شده است و سرنوشت مبارزه با سرنوشت مبارزه طبقاتی زحمتکش در مقیاس جهانی پیوند خورده است. اکنون افغانستان یکی از مراکز لاینحل دنیای سرمایه و متحدین ارتجاعی آن است. از این رو مبارزان آگاه و مدافعین انسان زحمتکش این سرزمین باید از تاریخ درس گرفته و رسالت های خود را در قبال سرنوشت خلق ستمدیده جدی تلقی نمایند و راه بیرون رفت این پروسه تنها نیرومند ساختن حزب است که ما در هر کوچه و بیشه وطن خود خانه حزب را داشته باشیم و با مردم خود به خاطر آزادی آنها مبارزه کنیم.

رفقا ،

اعضای رهبری فدراسیون «نهضت آینده» در آلمان مطابق به رهنمودها و پرنسپ های هیئت رهبری «نهضت آینده» وظایف خود را انجام داده در راه تحقق خط مشی نهضت از هیچگونه وظیفه شانه خالی نکرده اند ، وظایف خود را رفقیانه و دوستانه به صورت دسته جمعی به اكمال رسانده اند. جای افتخار است که در راه بنیادگذاری یک حزب چپ دموکراتیک سهم خود را ادا نموده در این پروسه روحیه عالی اعضای فدراسیون آلمان وجود دارد که اندیشه ها و مرام حزب را به گوش ناب ترین روشنفکران و آگاه ترین انسان ها برسانند و رهایی انسان زحمتکش را از یوغ استعمار و وظیفه اصلی خود قرار بدهند و من افتخار دارم که از جانب رفقای آلمان ، آمدن شما را در این کنفرانس خیر مقدم گویم و امیدوارم لحظاتی چند که مهماندار شما در این کنفرانس هستیم ، باهم تبادل تجارب کردیم و خاطر خوش و عالی از آلمان با خود داشته باشیم.

تشکر

پیام و تقاضا نامه اسماعیل پولاد

رفقای ارجمند رهبری «نهضت آینده افغانستان» ،
پیروزی های بیشتر شما آرزوی من است.

من در سالهای متمادی مبارزه به خصوص پس از خروج قوای شوروی از افغانستان و به تعقیب آن فروپاشی شوروی و فروپاشی حزب خود ما در افغانستان دریافتیم که ما ، با تمام احساس پاک و والای بلند بردن سطح شعور سیاسی و اقتصادی جامعه مان ، در تصامیم رهبری آن زمان حزب خود ما و رهبران کشور شوروا خلاها و اشتباهات بی شمار و نابخشودنی را به صراحت میتوانیم ببینیم. این اشتباهات بایست همیشه زیر نظر ما باشد و با این تجربه در راه ساختمان تشکلی برویم که اگر نتوانیم موفق به ابتکارات علمی و عملی برای جامعه خود شویم ، حد اقل در همان خلاها و اشتباهات نباید بلغزیم.

از این لحاظ باید هوشیار ترین ، دقیق ترین ، با حوصله ترین و از خودگذر ترین تشکل را جستجو کرد. بر آن اعتماد نمود و عملکرد آن را همیشه زیر نظر داشت. تکیه آن را بر دموکراسی درون حزبی دقیقاً معیار قرار داد.

با مطالعه طرح ها و نظریات علمی نشریه «آینده» به این نتیجه رسیدیم که جز این راه دیگری نیست و دور بودن از روند مبارزه کاربست رو به عقب و دور از احساس مسؤولیت. بنابراین با همین مختصر تقاضا میدارم مرا در جمله دیگر همزمان راه نجات انسان از نابرابری و بیعدالتی که شما آن را انتخاب و زیر تحلیل و بررسی علمی گرفته اید ، شامل نمایید تا به اندازه توانی که دارم در راه برحق نجات توده ها به درجه اول از زیر سلطه سیاه بی دانشی و بی سوادی و آماده سازی انسان برای زنده گی انسانی سهم خود را منحصیث یک انسان متمدن امروزی اداء نمایم.

با تقدیم احترامات رفیقانه ، همزم شما **اسماعیل پولاد** ، ۸ جنوری ۲۰۰۵ ، هالند **یادداشت** : از شماره اخیر نشریه «آینده» مطلع شده ام که قرار است کنفرانس سراسری «نهضت آینده» برپا شود. اگر مرا به عضویت «نهضت آینده» میپذیرید ، خواهشمندم مرا برای اشتراک در کنفرانس دعوت نموده ممنون سازید. (تبصره : رفیق پولاد در کنفرانس اشتراک ورزیدند.)

پیام آصف خومی به کنفرانس

رفیق گرامی و ارجمند داکتر سالم سپارتک ،

به شما و به همه رزمندگان راه رهایی میهن ، گشایش کنفرانس سرتاسری «نهضت آینده» را به منظور بحث پیرامون گسترش سازمانی ، کانون پیکارجوی شما شادباش می گویم و آرزومند باروری هرچه بیشتر کار و نبرد عادلانه شما هستم. با تقدیم احترامات رفیقانه ، لندن

ابراز نظر عبدالقدیر «همراز» درباره طرحهای

مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان»

رفیق عزیز داکتر سپارتک ، مدیر مسؤل «آینده» ،

رفقای گرامی رهبری «نهضت آینده افغانستان» ،

سلامها و درودهای رفیقانه مرا بپذیرید. امیدوارم موفق و کامیاب باشید.

شماره ۲۰ «آینده» ، نشریه «نهضت آینده افغانستان» را که حاوی مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» بود ، با دقت و علاقمندی فراوان مطالعه نمودم. واقعاً «نهضت آینده» همانطوریکه در مرامنامه «حزب مردم افغانستان» آمده است ، با برداشت تیوریک از حزب و با در نظر داشت وضعیت کنونی جامعه افغانی ، مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» را در پیوست با آرمانهای آغازین ح.د.خ.ا. و دیگر سازمانهای مترقی کشور مطرح کرده است. بنده در رابطه با طرحهایی که شکل گرفته است ، واقعاً منتظر چنین اقدامی بودم که خوشبختانه به همین ترتیب هویت و سرگذشت فکری و سیاسی خود را در آنها باز یافته و در واقع شناسنامه انقلابی خود را در چهار راه توفانزده تاریخ دوباره پیدا کردم. افتخار جاویدان به شما همزمان ادامه در صفحه بعدی

(طنز)

هارون یوسفی

نوشته محبوب الهی حسن زاده

۹ جنوری ۲۰۰۵

گدودی

صبحدم رنتم دکان چانعلی
تا خرم نوشپياز و گشنيز و ملی

دیدم آنجا جنسهای رنگ رنگ
ملی سرخک، بند تنبان و لونگ

جانعلی اینجا فرنگی گشته است
فارغ از ابزار و لنگی گشته است

در دکانش رگه هایی از هنر
می خورد اینجا و آنجا در نظر

شاهنامه همسبک یا لیلیو
بوستان در بین تکرری کدو

زیر شامپو مانده فرهنگ عمید
باد رنگ بر دوش دیوان نوید

تره و طرزی سر هم چارپلاق
شعر فانی در قوطی اشپلاق

مشنوی غرق نمک تا خرخره
لای کلیات بیدل شاتره

پیش و پس کن یک دو پیپ تیل را
تا بیایی حاجی اسماعیل را

در میان شیشه های راسلین
بینی افتادست فرهنگ معین

در حصار یادنجان و مرج و سیر
اکرم عثمان را یابی اسیر

چار عرق دست و یخن یا ناظمی
کسترایل پیش پوزر کاظمی

در میان کاسه سیمیان شور
باختری و اسپرین و بوف کور

رهنورد و ویسکی و گلپی قطار
تا نمایند مشتری ها را شکار

بر سر برهان قاطع سلترج
زنجه فیل بین مقالات وهاج

جانعلی جان، گفتمش یک کیلو دال
داد فوری دفتر شایق جمال

گفتمش دو دسته از آن نوشپياز
کرد کلیات قاری را دراز

تا صدا کردم که هیل و زعفران
داد دیوان خلیلی را نشان

گفتم از بیناب خواهم دفتری
در ترازو ماند کاهوی تری

گفتمش خواهم ز قاری کلیات
گفت هارون جان، چه اندازه لکات؟

گفتمش نی که دلت شوخی شده؟
گفت در اینجا همش فاتی شده

گفتمش دیوانه استی یا که مست؟
گفت این هم پیش من گد خورده است

به ادمه صفحه قبل
انقلابی که دلیرانه درفش مبارزه طبقاتی به خاطر نجات
انسان زحمتکش و مبارزه به خاطر تأمین عدالت
اجتماعی را بلند نگهداشته و به کار و پیکار و مبارزه
خویش بی پاکانه ادامه میدهد که در این راه و مبارزه
مقدس به خاطر رسیدن و تحقق اهداف و مرام نیک
انسانی و مقدس ما با هم در این کاروان یکجا با دیگر
نیروهای متوقفی به پیش میرویم.

تغییرات و حوادثی که در وضعیت و حالت موجود
ملی و بین المللی و در مقیاس تمام کشورها صورت
میگیرد، به نفع ارتجاع و امپریالیزم بوده که در نتیجه
منجر به جهانی شدن سرمایه و نظام سرمایه داری
میگردد که باعث بیعدالتی های اجتماعی، استثمار
توده های میلیونی زحمتکش در سرتاسر کره خاکی و
منجمله در کشور خود ما افغانستان میگردد و طبقه
مظلوم و زحمتکش ما از آن رنج میبرند. منافع
زحمتکش به خطر مواجه بوده و حقوق آنها بیشرمانه
تقض گردیده و پامال میشود که در چنین وضعیت
و حالت بحران به وجود آمده در سطح ملی و بین المللی
واقع ضرورت و نیاز به یک سازمان چپ سیاسی و یا
حزب واحد چپ نیرومند و نقاد که مجهز به جهانی بینی
پیشرو و انقلابی باشد، بیشتر از هر وقت دیگر احساس
میگردد تا باشد واقعا از این طریق قطب ترقی و
استثمار زدایی به سود انسان زحمتکش در برابر سیطره
ارتجاع داخلی و خارجی در افغانستان به وجود آید که
خوشبختانه در نتیجه کار و پیکار و مبارزه دوامدار و
خسته گی ناپذیر فرزندان وفادار به منافع زحمتکش
کشور طرح مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم
افغانستان» به خاطر نجات و رهایی انسان زحمتکش
ریخته شد و غرض بحث و آرایه نظریات و پیشنهادهای
شان پیرامون طرح مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم
افغانستان» به تمام مردم افغانستان و رفقای همزم و
بازمانده از ح.د.خ.ا. (ح.و.ا.) گذاشته شد.

**بند در کلیت طرح مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم
افغانستان» را تأیید نموده و از آن پشتیبانی مینمایم و به
نوبه خویش نظریات و پیشنهادهای مشخص خود را به
منظور غنا بخشیدن هرچه بیشتر پیرامون این طرح**

عنوانی شما رفقای گرامی رهبری «نهضت آینده
افغانستان» تقدیم میدارم و امیدوارم که بدینوسیله سهم
و مکلفیت خود را در برابر مردم، وطن و حزب خویش
در مبارزه به خاطر تأمین عدالت اجتماعی و رفع
استثمار و اعمار جامعه عادلانه مبتنی بر تأمین
مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید ادا نموده باشم.

با درودهای رفیقانه

عبدالقدیر «همراز»

۲۱ نومبر ۲۰۰۴

یادداشت: پیشنهادات رفیق عبدالقدیر «همراز» عمدتاً به
برنامه منظمی و تاکتیکی رابطه دارد که قرار است بعد از
تدویر کنگره از جانب شورای مرکزی به تصویب برسد. در اینجا
بنابر محدودیت حجم نشریه از چاپ آن معذرت خواسته میشود
و اما پیشنهادات نامبرده به رفقای رهبری «نهضت آینده»
سپرده میشود.

پوزش

با معذرت باید چند غلطی چاپی در شماره ۲۲ نشریه
«آینده» اصلاح شود:

۱ - در صفحه اول، ستون اول، فشرده سخنرانی
عبدالله نابیی، سطر ۷ اشتباها واژه «جهالت» چاپ
شده که باید به «جهات» تصحیح شود.

۲ - در صفحه (۳) ستون اول، سطر چارم (از پایین به
بالا) ترکیب «که . . . و ظرفیت سیاسی» به « . . .
ظرفیت سیاسی» تصحیح شود. در صفحه (۴)، ستون
اول، سطر (۳۳) بعد از فعل «میگردند» حرف «و»
حذف شود. در سطر (۳۷) همین ستون «فرموده اند» به
«فرمودند» تصحیح گردد. در سطر (۴۳) ستون متذکره
بعد از کلمه «موقعیت» اشاره «، ،» و در سطر اول
ستون دوم این صفحه حرف «را» اضافیت.

مدیر مسؤول «آینده»

. . . چرا کاکا جان ؟ !

* . . . بچیم خیریت است؟! . . . صحت بی

* بی حاجی کاملاً خوب است ؟ !

* - تشکر کاکا جان ، خیر و خیریت است. همه گی
خوب استند.

* - پس چرا بی وقت تلفون کردی؟

* - ببخشید کاکا جان ، من تفاوت وقت افغانستان
و امریکا را درست نمیدانم. اما مجبور بودم شما را
در این وقت زحمت بدهم.

* - بگو! باز چی گپ است !

* - همین احمد ، ما را به بینی رسانده است.
احمد ، بچه کاکامیرزایم.* - کاکا میرزا را خدا بیامرزده. احمد بچه خوب
است. بگو که او چی کرده ؟* - از روزیکه ما از پاکستان بازگشت کردیم ، حتی
یک کپه آرد هم از حاصلات زمین ها را برای ما
نداده. مهمتر از همه اینکه ، تمام زمین های خوب را
برای خود قباله کرده و زمین های خراب را برای ما
مانده است.* - بچیم حوصله داشته باش! شما هر دو با هم
بچه های کاکا استید. با هم جور بیاید. اینجا در
امریکا همه میگویند که در افغانستان وحدت ملی به
وجود آمده است و تمام ملیت ها و اقوام گوناگون با
هم متحد شده اند و وحدت ملی را عملاً تمثیل
میکند و شما دو تا که . . .* - نی کاکا جان ، احمد غاصب است. هم زمین
ها را تصرف کرده و هم مرا تهدید به مرگ میکند.

* - چطور؟!

* - میگویند : «من بیست و چند ساله سابقه
جهادی دارم و تا دندان مسلح استم». خبر ندارد که
من سرباز بالقوه امریکا استم. همین حالا کارت سی.
آی. ای. در جیبم است و میتوانم احمد را به نام
طالب در زندان بیندازم.* - نی بچیم تو هرگز این کار را نمی کنی. احمد
بچه کاکایت است. برادرت است. هردوی تان نور چشم
من استید. من نمی خواهم که به هیچکدام تان ضرری
برسد.* - نی کاکا جان چاره دیگر ندارم. ناگزیر استم از
همین کارت استفاده کنم. تا بفهمد که . . .* - نی بچیم تو هرگز این کار را نمی کنی. این
خیالات را از کله ات بیرون کن!

* - چرا کاکا جان؟!

* - بچیم ! همین کارتی که در جیب تو است ،
در جیب او هم است.

ببرک ارغند ، نویسنده یی از محراق . . . در محراق

کینه و غیره) نیست ، بل ، **تداوم اندیشه های ایدئالوژیک** که در **تار و پود اثر وجود دارد** ، تداوم آن را در **عرصه فرهنگ ضمانت میکند** . این ایدئالوژی است که با پایداری خود پرداخته های هنری را که ناگزیر ایدئالوژیک اند ، پایدار میسازد . چون «ایدئالوژی طبقات حاکم» ، «ایدئالوژی حاکم بر تمام طبقات» است ، هنر و ادبیاتی که زیر چتر چنین ایدئالوژی تبارز میکنند ، در تمام طبقات راه می یابند . اینست رمز فراطبقاتی بودن بسا از آثار هنری و ادبی سرزمین ما . اگر «مثنوی» و «گلستان» را در کاخهای مجلل و کوچه های فقر زده ، همزمان میتوان یافت ، به خاطر این است که محتوای ایدئالوژیک آنها **در کل جامعه حاکم** است . این که **باختری و رهنورد . . . ناآگاهانه** آثار ایدئالوژیک آفریده اند که در خط آفریده های **فروخی** ، **سنایی و سعدی** اند و **از جاودان بودن** آثار خود شادمان اند ، از یاد میبرند که تمام ادبیات به اصطلاح ملی ما ، **هیكل بازگون دارد** ، یعنی به جای پرداختن به خود **زنده گی آمده** ، به تصورات و تلقیاتی میپردازند که از طریق ایدئالوژی حاکم ، **زنده گی آمده** و واقعیت اجتماعی را به طور وارونه نشان میدهند . به جای آنکه گفته شود که «**مثنوی**» و «**گلستان**» به حیث فورمهای بیان ایدئالوژیک **چی نقشی** را در تداوم ایدئالوژیهای حاکم بازی کردند و میکنند ، **پیروان** امروز و «**مناویان جاوید انگار**» آنها میگویند چون آثار مذکور «**به واقعیت گذرای**» زمان شان نپرداختند ،

از آسیب «**زمان زده گی**» و «**دوران زده گی**» به دور ماندند . این تغییر نادرست که خود یک تعبیر ایدئالوژیک (یعنی غیر علمی) از رابطه هنر با ایدئالوژی و جامعه است ، هنوز هم **نقش ارتجاعی خود را بازی میکند** .

آیا تصادفی بود که «**جمعیت اسلامی**» همراه با **رهنورد** و **باختری** و گروهی دیگر از **صونیواره گان** ، عرفان و **مولانا** و **بیدل** را درفش سبز خود ساختند تا با هر آنچه اندیشه ترقی و بینش علمی و غیر ایدئالوژیک و شیوه نقاد برداشت واقعیت بود ، **تصفیه حساب کنند** ؟ با آنچه در بالا گفتم ، به آسانی دریافته میشود که **تمام وابسته گان ایدئالوژیهای ارتجاعی** ، در تمام جریان هزار ساله ادبیات ما ، از یک **آبشخور تغذیه** کرده اند و در تمام دوره ها علیه «**تفکرو نقاد**» ایستاده اند .

نقش ادبی «**استاد وارو گان**» امروزی شعر و داستان و شاگردان همکیش شان در واقعیت امر چیزی جز یک نقش ایدئالوژیک در راستای ارتجاعی ترین اندیشه ها و برداشتهای اجتماعی هزار ساله سرزمین ما نیست .

فرصت آن فرا رسیده است تا با روشن بینی ، «**ریالیزم نقاد**» را در برابر سیطره استه تیک ایدئالوژیهای ارتجاعی (در فورمهای هنری و ادبی) قرار دهیم . آفرینشگران عرصه های ادبیات و هنر ناگزیرند در کنار توانمندی استه تیک ، **یک دریافت علمی** و درست از مناسبات اجتماعی دوران خود داشته باشند . بدون جهانبینی علمی و «**ریالیزم نقاد**» ، هنر و ادبیات تسلسل ایدئالوژیهای حاکم را تداوم خواهند بخشید .

پینویس :

۱- تیودور آدرنو - «**تیوری استه تیک**» (به فرانسوی) ، پاریس سال ۱۹۷۴ به نقل از فرهنگ نقاد مارکسیستی ص ۳۹۹ .

داستان دراز «**پهلوان مراد** و اسپه که اصیل نبود» را در فرازه های این نمونه قرار داد ، این قدر میشود گفت - و به یقین میشود گفت - که این اثر نمونه موفقی از همین «**ریالیزم نقاد**» است . بنده «**ریالیزم نقاد**» را امکانی برای انکشاف بعدی ادبیات و هنر کشور تلقی میکند که با آثاری از «**گونه پهلوان مراد . . .**» جان خواهد گرفت .

۲ - ایدالوژی حاکم

در ادبیات افغانستان

بینش دگماتیک حاکم در ایدئالوژی رسمی جنبش کارگری دیروز ، «**آفرینش استه تیک**» را «**بازتاب مستقیم**» منافع طبقاتی می انگاشت . رابطه ادبیات و هنر با ایدئالوژی و خاستگاه طبقاتی آفرینش هنری و ادبی به طور ساده نگرانه و یک سو به مطرح میگردد ، یعنی هنر و ادبیات به حیث پدیده های روئایی ، «**بازتاب مستقیم**» روابط زیربنایی جامعه تلقی میگردد . تکوین مفهومواره هایی چون «**هنر پرولتری**» ، «**هنر بورژوایی**» و غیره راه تحلیل علمی پدیداری آثار هنری را سد کرده بود . از سوی دیگر ماندگاری برخی پدیده های هنری و آفریده های استه تیک (مثلاً هنر یونان باستان) در فورمهای پستی در پی اجتماعی-اقتصادی (همانند مذهب به حیث ایدئالوژی

فراتاریخی) موضوع «**استقلال نسبی**» بخشی از رونما (در اینجا آفرینش استه تیک) نسبت به زیر بنا را با جدیت مطرح ساخت . با وجود پژوهشهای زیادی که پس از انقلاب اکتوبر در عرصه استه تیک صورت گرفته اند ، تا کنون نمیشود گفت که یک «**استه تیک مارکسیستی**» به حیث یک تیوری کلی هنر و ادبیات تکوین یافته است . مکتبهای گوناگون و تفسیرهای گوناگون از مسأله «**هنر**» به حیث بازتاب زیر بنا در رونما» شکل گرفتند ، ولی هیچکدام به آرایه یک تیوری کلی قناعت بخش توفیق نیافتند . اما نبودن چنین تیورسی مانع تحلیل مشخص هنر و ادبیات یک جامعه در یک مقطع معین تاریخی یا در چوکات یک شیوه تولید معین نمیشود .

مثلاً هنگامی که ادبیات سرزمین مان را از نخستین سروده های زبان دری تا امروز در نظر بگیریم ، از مداحان دربار غزنه گرفته تا آفریده های **باختری** و **رهنورد** ، علی الرغم دگرگونیهایی در نحوه پرداخت زبانی ، گزینش موضوع (تیماتیک) ، پرداخت تصویری و نوع هنری ، **یک خط کلی و همگون ایدئالوژیک** را می یابیم که در پیوند با ایدئالوژیهای حاکم ، «**فاقد نقد بنیادی**» روابط اجتماعی مبتنی بر استبداد و استثمار اند . سیر کلی ادبیات سرزمین ما در جریان بیش از هزار سال چنان با ایدئالوژیهای حاکم (مذهبی ، تبیله یی ، فیودالی) همپیوند بود که در مورد آن میشود گفت که ادبیات افغانی «**شکلی از بقا یز بیان ایدئالوژیهای حاکم**» بود . وقتی برای توجیه آفریده های غیر نقاد خود میگویند که فلان اثر «**جاودان**» است ، چون «**عناصر پایدار**» زنده گی را تصویر کرده است ، فلان اثر فناپذیر شده است ، چون واقعیت فنا شونده روزگار خود را ترسیم کرده است ، با سهل انگاری شگفتی مسایل را ساده و معکوس میسازند . به این آرایان باید گفت که جاودانه گی یک اثر در پرداختن به عناصر پایدار و جاودان زنده گی (چون عشق ، مرگ ،

تازه ترین آفریده داستانی **ببرک ارغند** ، داستان بلند «**پهلوان مراد** و اسپه که اصیل نبود» به یقین حادثه یی در ادبیات معاصر کشور به شمار خواهد آمد . «**حادثه**» به این عنوان که این اثر ، هم از دیدگاه زیبایی شناسی (استه تیک) و هم از نظرگاه موضوع پرورش یافته (مناسبات اجتماعی در گوشه یی از شمال افغانستان) یک اثر موفق است و به عنوان همین نمونه بودن ، دریچه بیست که میشود از ورای آن مسایل اساسی ادبیات افغانی را مورد بررسی و جمعیت تیوریک قرار داد .

۱ - نمونه یی از «ریالیزم نقاد»

تیودور آدرنو میگفت : «**مرگ هنر بهتر از ریالیزم سوسیالیستی است**» (۱) سختگیری این منقد استه تیک نسبت به ریالیزم سوسیالیستی به خاطر آن بود که بسا از آفریده های هنری متعلق به این مکتب رسمی شوروی بیشتر با ابتذال رابطه داشتند تا با سطح بلند پرداخت استه تیک . ریالیزم سوسیالیستی شوروی میبایست ساختمان سوسیالیزم را تصویر میکرد ، «**قهرمانان مثبت**» را در مقام تشخیص ویژه گیهای انتزاعی «**انسان شوروی**» (انسان نوین انتزاعی) می آفرید و در مورد کاستیها و جنبه های تاریک جامعه یکسره سکوت میکرد . خصوصیت بارز هرگونه ریالیزم پویا ، همانا «**نقاد**»

بودن آن است ، چون واقعیت بستر تضادها ، تناقضها ، «**مثبت ها**» و «**منفی ها**» ، روندهای تعالی یاب و روندهای عقبگرایی است . اگر «**ریالیزم نقاد**» (همان ریالیزمی که **هاوکس** در آثار **بالزاک** میدید) در شوروی ادامه می یافت ، به یقین از دیری بدین سو کاستیهای سوسیالیزم دولتی و همراه با آن ، کاستیهای «**انسان انتزاعی شوروی**» آشکار میگردد . هنر و ادبیات شوروی نیز همانند دیگر هنرها و ادبیات ها ، ایدئالوژیک بودند و سیمایی از ایدئالوژی رسمی دولت شوروی را آشکار میساختند . ما در سایه همین ریالیزم سوسیالیستی شوروی وارد میدان ادبیات واقعیتگرایی و انقلابی شدیم ، ولی چون هنوز «**انسان انتزاعی سوسیالیزم افغانی**» (۱) را به وجود نیآورده بودیم ، نمیتوانستیم ویژه گی «**نقاد بودن**» را از ریالیزم برداریم .

ریالیزم افغانی راه دیگری جز نقاد بودن نداشت

از «**سه مزدور**» و «**سپید اندام**» (از **اسدالله حبیب**) گرفته تا «**زمین**» (از **قدیر حبیب**) و «**پهلوان مراد**» اسپه که اصیل نبود» ، همه نمونه هایی از ریالیزم نقاد در ادبیات افغانی اند . برای آنکه بتوان یک اثر هنری را در یک مکتب استه تیک جا داد ، نخست باید آن را به حیث یک اثر واقعاً هنری ، یعنی مطابق موازین و ضابطه های استه تیک پذیرفت .

ادبیات چند دهه اخیر ما انباشته از پدیده هایی اند که میشود آنها را به دودسته کلی تقسیم کرد :

- «**ریالیزم مبتذل**» : در مجموع آثار غیر هنری ؛
- «**استه تیزم منحط**» : پدیده هایی که بیشترین امراض روانی یا تلقینات ذهنی آفریننده گان خود را در اشکال هنری تبارز میدهند .

نمونه های خارج از این دو دسته کلی ، یعنی آثار راستین هنری که همراه با پرداخت عالی استه تیک زنده گی انسان را در تمام ابعادش ، در متن مناسبات اجتماعی تصویر کنند ، بسیار اندک اند . اگر نتوان

پیام کنفرانس سراسری

« نهضت آینده افغانستان »

به مبارزان راه آرمانهای زحمتکشان

۲۶ جدی ۱۳۸۳ خورشیدی (مطابق به ۱۵ جنوری ۲۰۰۵)

رفقای عزیز ،

گذشتهٔ چهل ساله جنبش انقلابی افغانی از فرازا ، نشیبا و شکستهای دردآوری گواهی میدهد. راه برگزیده در آغازین حرکت دموکراتیک و انقلابی در وجود «جریان دموکراتیک خلق افغانستان» و دیگر سازمانهای مترقی به شکست انجامید ، شکستی که فروپاشی حزب-دولت را همراه داشت. نه تنها سازمانهای حزبی-دولتی فرو غلتیدند ، بل افراد متعلق به این سازمانها نیز پراکنده شدند و دوران غربت و هجرت با همه آلام و رنجهایش آغاز گردید. اکثریت رهبران حزب-دولت به رویدادها تسلیم شدند و همراه با یک گروه خابن و تسلیمگر با تداوم مبارزه وداع گفتند. آنها مسؤولیت تاریخی فروپاشی حزب-دولت را - به حیث یک وسیلهٔ قابل استفاده در مقاومت ضدامپریالیستی خلق زحمتکش افغانستان - به عهده دارند. جنبش انقلابی افغانستان هنوز با آنها تصفیهٔ حساب تاریخی نکرده است!

رفقا ، همزمان ،

«نهضت آینده افغانستان» به حیث سازمان نوسازی جنبش چپ و ادامه دهندهٔ مبارزات مردم افغانستان با شکل پیگیر ترین افراد متعلق به نهضت دموکراتیک افغانی ، توانست درفش پیکار دادخواهان را دوباره برافرازد و بدیل قانونمندی برای از سرگیری مبارزهٔ بنیادی و دگرگونساز ارایه نماید. «نهضت آینده افغانستان» دیگر محراق جنبش چپ افغانیست که تعهد سپرده است تا در راه تحقق مطالبات تاریخی زحمتکشان افغانستان آگاهانه و با مسؤولیت در پهنهٔ تاریخ کشور حضور یابد.

رفقا ،

حضور نداشتن یک حزب متعلق به مردم زحمتکش افغانستان در وضعیت سیاسی کشور ، میدان را به نیروهای ارتجاعی باز گذاشته است. پیوستن شما به «نهضت آینده» راه برگزاری کنگرهٔ «حزب مردم افغانستان» را کوتاه تر ساخته ، زمینهٔ حضوربایی سازمان واقعی خلق را در پهنهٔ سیاسی فراهم تر میسازد. بگذارید ایجاد «حزب بزرگ مردم افغانستان» پاسخی باشد به آرزوهای مردم رنجدیدهٔ افغانستان و طلوعی باشد که فرا رسیدن فرداهای روشن را نوید دهد.

کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» از تمام رفقای دور مانده و هواخواهان جنبش انقلابی و دموکراتیک افغانی دعوت میکند تا :

- به «نهضت آینده افغانستان» پیوندند ؛
 - حلقات و سازمانهای شان را مطابق اصول تشکیلاتی نهضت به وجود آورده با شورای مرکزی «نهضت آینده افغانستان» در تماس شوند ؛
 - به پخش وسیع نشریهٔ «آینده» که انعکاس دهندهٔ جهانبینی علمی متعلق به دنیای کار است ، بپردازند ؛
 - متحرکین بازمانده از حزب-دولت را وسیعاً انشا کرده ، نگذارند تا آنان به نقش منفی شان در جنبش ادامه دهند.
- رفقا ،

ما پیروز میشویم ، چون حقیقت و صداقت با ماست !
زننده باد خلق زحمتکش افغانستان !

درد دل با دوستان

از سر ناگزیری چند مطلب را خدمت دوستان مطرح میسازم :
پیامها به کنفرانس

بنا به کمبود وقت نتوانستیم تمام پیامهای دوستان را در کنفرانس بخوانیم و همچنان نمیتوانیم همه پیامها را به نشر برسانیم. طور مثال پیامهای مفصل رفیق **سورور منگل** و رفیق **جنرال انور پویان** را. به ما اجازه ندادند که پیام های شان را فشرده سازیم و به نشر بسپاریم و گفتند که ممکن نوشته های شان را برای چاپ به نشریه ارسال دارند.

شکایات دوستان

پس از کنفرانس سراسری ، با شمار زیادی از همزمان قدیم صحبت های مفصل تلفونی داشتم : یا به من زنگ میزدند ، یا خودم به دوستان تلفون میکردم. هریک از آن عزیزان ابراز خوشی از کار و نتایج کنفرانس میکردند و تبریکی و شادباش میگفتند و سخت مشتاقان به دست آوردن شمارهٔ کنونی هستند. چند تن از دوستان **شکایت** کردند:

۱- شماری از دوستان گله کردند که چرا ما را به کنفرانس دعوت نکردید؟

۲- شماری گله کردند که چرا از ما تقاضای پیام به کنفرانس نکردید؟

ما میگوئیم که تنها اعضای «نهضت آینده افغانستان» به کنفرانس دعوت شده بودند. ما نمی توانستیم دوستانی را که تقاضانامهٔ عضویت به سازمان ما نفرستاده اند و یا به طور علنی با ما یکجا نشده اند ، به کنفرانس دعوت کنیم. ما اطلاع داریم که شمار هواداران «نهضت آینده» روز تا روز بیشتر میشود. اما از کجا بفهمیم که این یا آن رفیق عزیز که هوادار «نهضت آینده» است ، بالاخره تصمیم گرفته که همزمان ما شود و ما او را نیز به کنفرانس دعوت کنیم؟

ما در هر شمارهٔ نشریهٔ «آینده» از شما به عنوان یک مبارز صدیق راه زحمتکشان دعوت میکنیم که هرچه زودتر با ما یکجا شوید. ما که نمیتوانیم نامهای در حدود صد-دو صد هزار همزمان **دیورزی** را در نشریه چاپ کنیم و یا نامه بنویسیم و از هر رفیق **دیورزی** به طور انفرادی نام گرفته تقاضا کنیم که دربارهٔ طرحهای مراعاتنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» برای ما نظریات خود را بفرستند. ما به طور کلی پیوسته و در هر شمارهٔ نشریه ، شما **رفقای عزیز** را مورد خطاب قرار میدهیم.

شفافیت سازمان ما

شفافیت سازمان ما در تاریخ کشور بی نظیر است : ما تحلیلهای خود را پیوسته چاپ میکنیم ، طرحهای مراعاتنامه و اساسنامهٔ حزب مورد نظر را در معرض نظر خواهی مطبوعاتی قرار داده و اسناد کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» را در همین شمارهٔ نشریهٔ ما نشر کرده ایم. ما پنهان نمی کنیم که مبارزهٔ نوسازانهٔ خود را با یک گروه کوچک ۸ نفری آغاز کردیم.

ما از نشر نامهای ۲۵ تن از اعضای شورای مرکزی «نهضت آینده افغانستان» بنا بر دلایل معلوم خود داری کرده ایم ، ولی برخلاف برخی از سازمانهای به اصطلاح اعتدالی «چپ نما» ، در سازمان ما زیر کاسه ، نیم کاسه دیگری وجود ندارد.

زمان تجدید اشتراک فرا رسیده است. با دریافت شمارهٔ کنونی که همزمان شماره ۲۳ و ۲۴ میباشد ، اشتراک همه دوستان ختم میشود ، لطفاً پول تجدید اشتراک را هرچه زودتر به حساب نشریه انتقال داده مضمون سازید!

- از آن خواننده گان «دایمی» که تا کنون نشریه را به طور منظم ، اما **مجاناً** دریافت میکردند ، خواهشمندیم که یا **اشتراک** کنند و یا پس از دریافت هر شمارهٔ نشریه ، **پول آن شماره** را به دوستان بدهند.

مدیر مسؤول «آینده»

رفقا ، همزمان ، دوستان ،

«نهضت آینده افغانستان» از وابسته گان و هواخواهان جنبش چپ بنیادی افغانی

صمیمانه دعوت مینماید تا :

- اسناد کنفرانس سراسری را که در این شماره نشر شده اند ، به دوستان و آشنایان بوسانند.

- طرحهای مراعاتنامه «حزب مردم افغانستان» و اساسنامهٔ «حزب مردم افغانستان» را که در شمارهٔ ۲۰ «آینده» به نشر رسیده بود ، وسیعاً پخش کنند !

- نظریات و پیشنهادهای شان را به مدیر مسؤول «آینده» بفرستند تا از طریق «لتریون بحث پیرامون طرحهای مراعاتنامه و اساسنامهٔ حزب مردم افغانستان» به نشر برسند.

AYENDA		S., M.S.		آینده	
آدرس	Organ of "Ayenda" Movement of Afghanistan	Account No.:	1133000853	قیمت یک شماره	معادل ۲ یورو
Postfach	1102	Routing No.:	37050299	اشتراک ۶ شماره	شمارهٔ حساب :
50375	Wesseling , Germany	Kreissparkasse Köln		اروپا	کد بانک :
				سایر کشورها معادل ۲۵ یورو	نام بانک :
				دارندهٔ حساب :	
				زیر نظر هیئت تحریر	
				مدیر مسؤول :	
				داکتر محمد سالم سپارتک	